

برآنم به صورت سریال وار در طول چند درس، آموزش نوشتن زبان کوردی را برای علاقه‌مندان به یادگیری این زبان در وبلاگ هه‌وه‌توو آغازکنم. امیدوارم که مورد پسند دوستان قرار گیرد و با دنبال کردن دروس و تمرین و تکرار و جدیت، نوشتن کوردی را در مدتی کوتاه بیاموزند.

"لطیف سلطانی"

۱۳۹۳/۱۲/۲۰

فیرگه‌ی زمانی کوردی - وانه‌ی ۱

برای آموزش الفبای زبان کوردی فرض می‌گیریم که شما با زبان فارسی آشنایی دارید .
حال نگاهی به الفبای زبان فارسی می‌اندازیم :

الفبای فارسی از ۲۲ حرف بی‌صدا و ۶ حرف صدادار تشکیل شده است . این حروف عبارتند از :

حروف بی‌صدا :

الف - ب - پ - ت - ث - ج - چ - ح - خ - د - ذ - ر - ز - ژ - س - ش -
ص - ض - ط - ظ - ع - غ - ق - ف - ک - گ - ل - م - ن - و - ه - ی

حروف صدادار :

فتحه / کسره / ضمه / ل ، ا ، و ، و (صدای او) / ی ، ی (صدای ای)

معرفی الفبای زبان کوردی :

زبان کوردی بر اساس دو رسم الخط آرامی (عربی) و لاتین نوشته می‌شود . پس در حال حاضر زبان کوردی دو نوع الفبا دارد .

الفبای بر اساس شکل نوشتاری (رسم الخط) عربی

الفبای بر اساس شکل نوشتاری (رسم الخط) لاتین

الفبای زبان کردی بر اساس رسم الخط آرامی (عربی)

الفبای زبان کردی بر اساس رسم الخط آرامی (عربی) از حرف بیصدا و حرف صدادار تشکیل می یابد .

حروف بی صدا و صدادار : (جمعا ۳۷ حرف)

- حروف بیصدا : حروفی که همیشه کلمه با آنها آغاز می شود و معمولا در آن لبها به هم برخورد میکنند .

- حروف صدادار : حروفی که هیچ گاه کلمه با آنها آغاز نمی شود و معمولا در آن لبها به هم برخورد نمی کنند .

شکل تصویری الفبای زبان کردی بدون توجه به نوع تلفظشان:

حروف بی صدا :

ئ / ب / پ / ت / ج / چ / ح / خ / د / ر / ر / ز / ژ / س / ش / ع / غ / ف /
ف / ق / ک / گ / ل / ل / م / ن / و / ه / ی

حروف صدادار :

ا / و / وو / یی / سی / ه / یی / یی / و / کسره ی کوتاه (بزرؤکه) Ø - در
الفبای کردی عربی نشانه ای ندارد.

فیرگه ی زمانی کوردی - وانه ی ۲

قبل از آغاز درس دوم برای دوستانی که می خواهند کیبورد کوردی نیز روی سیستم خود داشته باشند، پیشنهاد و توصیه ی اکیدم به همه ی علاقه مندان زبان کوردی این است که حتما این کیبورد را نصب کنند. لینک دانلود آن در قسمت پیوندهای وبلاگ (hewetu.blogspot.com) گذاشته شده است. در این لینک شما می توانید صفحه کلید کوردی برای ویندوز هفت و هشت، ویندوز اکس پی، گوشیهای اندروید و صفحه کلید لاتین کوردی را نیز دانلود کنید. سپس در همین صفحه می توانید انواع فونتهای

کوردی را (بالغ بر ۴۰ فونت زیبا) در یک فایل زیپ شده را دانلود کرده و فقط کافی است شما آنها را در پوشه‌ی فونت‌های سیستم خود بریزید.

توجه: بعد از دانلود فونت‌ها و نصب کیبورد کوردی به قسمت تنظیمات زبان سیستم رفته و برای ویندوز هفت و هشت، عربی عراق، ویندوز اکس‌پی عربی کویت به اضافه‌ی سورانی بادینی را به زبان کیبورد سیستم خود اضافه کنید، سپس فقط سیستم خود را یک بار ریستارت کنید. قابل ذکر است که در این صفحه کلید تمامی حروف مخصوص عربی مثل ط، ث و... وجود دارد فقط برای استفاده از این حروف باید کلید شیفت گرفته شود. کار با صفحه کلید کوردی بسیار بسیار آسان است و طی یکی دو هفته به آسانی همه‌ی حروف را به حافظه خواهید سپرد. امیدوارم دوستان با نصب این کیبورد از این پس با زبان شیرین کوردی بنویسند و حداقل خدمتی کوچک به زبان غنی خود کرده باشیم. من به شخصه خودم برای نوشتن فارسی نیز از کیبورد کوردی استفاده می‌کنم. در ضمن با کیبورد کوردی شما می‌توانید ۱- سایتهای کوردی را با شیوه و فونتی مناسب و خوانا ببینید ۲- در واژه‌پرداز ورد و سایتهای کوردی با فونت کوردی بنویسید ۳- با دوستان خود در مسنجرها و... با کوردی بنویسید.

لینک فونت‌ها و کیبورد کوردی از سایت اصلی:

<http://www.kurditgroup.org/downloads>

آغاز درس دوم

تفاوت‌های اولیه‌ی الفبای زبان کوردی با زبان فارسی :

- در زبان کردی:

- برای حروف (ت / ط) تنها از حرف (ت)
- برای حروف (ث / س / ص) تنها از حرف (س)
- برای حروف (ذ / ز / ظ / ض) تنها از حرف (ز)

استفاده می شود . پس :

ت / ط <<<<<< ت

ث / س / ص <<<< س

ذ / ز / ظ / ض <<< ز

۲ - نوشتار زبان کردی متفاوت است از زبان فارسی و بر اساس گفتار شکل می گیرد . برای مثال در فارسی کلمه‌ی (**خواهر**) که از (" **خ + و + ا + ه + ر** ") تشکیل شده است (**خواهر**) نوشته شده، اما (**خاهر**) خوانده می شود. در صورتی که در کوردی هر طور نوشته شود همانطور نیز خوانده می شود و برعکس. (تطابق شیوه‌ی ملفوظ با مکتوب)

۳ - در فارسی تعدادی از حروف صدادار نوشته نمی‌شوند اما تلفظ می‌گردند، مانند حروف صدادار **فتحه / کسره / ضمه** در صورتی که در زبان کوردی صداها نیز به حرف تبدیل میشوند . (در کوردی برای هر صدا(مصوت) یک حرف داریم که نوشته می‌شوند)

مثلا کلمه **تخت (ت + خ + ت)** در فارسی را اگر بصورت کوردی بنویسیم بصورت **تهخت (ت + ه + خ + ت)** نوشته می شود که در اینجا حرف صدادار **فتحه** تبدیل به حرف **ه** شده است .

توضیحاتی پیرامون زبان کردی به لحاظ نوشتاری :

در زبان کردی حرفی وجود ندارد که نوشته شود اما خوانده نشود (**متفاوت با زبان فارسی که مثلا خواهر، خویش و... نوشته می شود اما خاهر و خیش خوانده می شود یا کلماتی مثل خواهش، خواستار، خواست و...**) به عبارت ساده‌تر در زبان کوردی نوشتار بر اساس گفتار شکل می گیرد و این یکی از مزیت‌های این زبان برای نوآموزان می‌باشد.

توجه : رسم الخط عربی(آرامی) و لاتین به دلیل آنکه بطور کامل برای نوشتار کوردی بهینه نشده اند دارای نقاط ضعف بسیاری در تبدیل گفتار کوردی به نوشتار کوردی هستند . بدین معنی که در اصل این دو رسم الخط به تنهایی ظرفیت تصویر سازی تمام آواهای زبان کوردی را ندارند . زبان کوردی زبانی بسیار دقیق است چون تمامی صداها به حرف تبدیل می‌شوند، برخلاف زبانهای فارسی، عربی، انگلیسی و... که یک کلمه را به گونه‌ای می‌نویسند اما به گونه‌ای دیگر خوانش می‌کنند. که اینها به نظر من حداقل دلیل بر نقص

این زبانهاست. اما خوشبختانه زبان کوردی هرچند صدها سال است که محروم و در انزوا مانده و توجه خدمتی شایان به آن نشده است، و همیشه مظلوم واقع شده است، اینگونه مشکلات را ندارد و این مایه‌ی افتخار است.

.....

فیرگه‌ی زمانی کوردی – وانه‌ی ۲

از این درس به بعد به بررسی تک تک حروف الفبای زبان کوردی می‌پردازیم :

همانطور که در شکل نوشتاری حروف الفبای زبان کوردی مشاهده می‌گردد تعدادی از حروف به لحاظ نوشتاری با حروف الفبای سایر زبانها از جمله فارسی بسیار متفاوت هستند . تفاوت مورد نظر در ابتدا از **لحاظ نوشتاری** مورد بحث است، همچنین در ادامه‌ی مباحث بررسی می‌شود که شاید تعدادی از حروف از نظر **شکل نوشتاری** با حروف الفبای فارسی یا عربی یکسان باشند اما به **لحاظ تلفظ و خوانش** تفاوت زیادی با زبانهای ذکر شده دارند .

حال برای راحتی کار **حروف الفبای کوردی**، با **رسم الخط عربی** را به **سه** گروه تقسیم می‌کنیم و هر گروه را جداگانه مورد بررسی قرار می‌دهیم .

دسته‌ی اول : حروفی که هم از نظر تلفظ و هم از نظر شکل نوشتاری با برخی از حروف فارسی برابر است.

دسته‌ی دوم : حروفی که از نظر **ظاهری و شکل نوشتاری** با برخی از حروف الفبای زبان فارسی برابر است اما **نوع تلفظ** این حروف در زبان کوردی **بسیار متفاوت** با نوع تلفظ آنها در زبان فارسی است .

دسته‌ی سوم : حروفی که هم از نظر تلفظ و هم از نظر شکل نوشتاری با سایر زبانها از جمله فارسی بسیار متفاوت است .

بررسی دسته‌ی اول : حروفی که هم از نظر تلفظ و هم از نظر شکل نوشتاری با برخی از حروف فارسی برابر است:

حروف بی صدای (صامت) الفبای کوردی :

ئ / ب / پ / ت / ج / چ / ح / خ / د / ر / ر / ز / ژ / س / ش / ع / غ /

ف / ف / ق / ک / گ / ل / ل / م / ن / و / ه / ی

از بین ۲۹ حرف بی صدا، تعداد ۲۰ حرف در این دسته قرار میگیرند:

ب / پ / ت / ج / چ / خ / د / ر / ز / ژ / س / ش / ف / ک / گ / ل / م / ن / ه / ی

مثال: باران - پان - تارا - جاران - چاره - خاس - دار - بار - زارا - ژان - سارا -
شار - فارسی - کانی - گیر - لار - مام - نان - هادی - یاری

نیرگهی زمانی کوردی - وانهی ۴

دسته‌ی دوم: در این درس به بررسی حروفی می‌پردازیم که از نظر نوشتاری با فارسی مشترک ولی از نظر تلفظ متفاوت هستند .

در صامت ها : / ح / ع / غ / ق / و / در مصوت ها : (و : و)

نویسه‌های زیر در ظاهر کاملاً شبیه به نویسه های زبان فارسی هستند اما باید تاکید کرد ، اگرچه از نظر نوشتاری این شباهت درست است اما در زبان کوردی این نویسه ها کاملاً متفاوت تلفظ می‌شوند. بدین معنی که کوردها کلماتی مانند " حسن ، علی ، غار ، قاز ، ورود " را نسبت به فارس زبانها بسیار متفاوت تلفظ می کنند.

صامت ها :

۱- (ح : ح - ح - ح - ح)

در زبان فارسی تلفظ این نویسه بسیار به نویسه‌ی " (ه : ه / ه -) " شبیه است. لذا برای تشخیص آن، به نویسه‌ی " ح " ، (ح - جیمی) و به نویسه " ه " . (ه - دو چشم) گفته می شود . بدین گونه که کلمه‌ی " حمید " با (ح - جیمی) و " هادی " با (ه - دو چشم) نوشته می‌شود در حالی هر دو نویسه (ح و ه) بصورت " ه " تلفظ می گردند یعنی "

حمید " را " همید " و " هادی " را نیز " هادی " تلفظ می کنند . اما در زبان کوردی نویسه ی " ح " همانند عربی از حلق تلفظ می شود . و تفاوت آن نسبت به نویسه ی " ه " کاملاً قابل تشخیص است .

لازم به ذکر است که تعداد زیادی از زبانشناسان کورد معتقدند این نویسه در هیچ کلمه ی ریشه دار کوردی بکار نمی رود و متعلق به زبانهای سامی (عربی و عبری و سریانی...) است که با ورود اسلام به سرزمین کوردستان تا مدت‌ها کوردها با تلفظ این نویسه مشکل داشتند و مدت زیادی طول کشیده تا تلفظ این نویسه را یاد گرفتند.

چرا الفبای کوردی به جای لاتین؟ - وانه ی ۵

مهم دانستم که درس پنجم فیترگی زمانی کوردی را به مقوله ی چرا الفبای کوردی به جای لاتین؟ اختصاص دهم. دوستی در بخش نظرات وبلاگ، کامنت گذاشته بودند که گویا الفبای عربی را باید برای نوشتن و رسم الخط کوردی منسوخ کرده و به جایش از الفبای لاتین استفاده کرد. چون بحث مهمی است و عده ای مبلغ ترویج آن هستند، لازم دانستم در ذیل برای آگاهی این دوست گرامی و سایر دوستان علاقمند در این باره دلایل و نظرات خودم را مشروحا عنوان کنم:

متأسفانه یکی از دردهای کهن ما کوردها این است که به ندرت در همه ی امورمان به وحدت و اتفاق نظر می رسیم، و همه چیز ما چند پاره شده، این چند پارگی علاوه بر اینکه الفبا و جغرافیای ما را در بر گرفته به شخصیت و فرهنگ و رفتارهای اجتماعی ما نیز سرایت کرده است و ما را به انسانهایی با شخصیتی پاره پاره بدل کرده است. علل این چند پارگی را باید در تاریخ اجتماعی افسرده و پر از استبداد و سرکوبمان جستجو کرد که جای بحث آن در اینجا نیست!

دوست عزیز در رابطه با نظرتان در خصوص الفبا، باید بگویم من بنا به دلایلی که ذکر خواهم کرد همین الفبای کوردی - عربی را مناسبترین الفبا برای نوشتن کوردی میدانم:

۱- ما کوردها الفبای عربی را مطابق با تلفظ زبان مادریمان تغییر داده و در اصطلاح کوردی "کوردانده ایم" (کورداندن) و حروفی را به آن اضافه کرده ایم در واقع خلق کرده ایم که نه در الفبای عربی و نه در فارسی اصلاً وجود ندارد و برخی اصلاً تلفظ نمی شوند

مثل (ف)(ؤ)(ل)(ر) و... الفبای عربی ۲۸ حرف و الفبای کوردی ۳۷ حرف است، ما حتی برخی حروف اصیل عربی مثل (ط،ص،ظ،ض.ث و...) را از الفبای خود برداشته‌ایم و آموزش آنرا برای نوآموزان بسیار ساده کرده‌ایم در حالی که فارسها در الفبای فارسی هنوز این کار را هم نکرده‌اند، (من دیده‌ام که برخی در املاي کلمات دو حرف "ص و س" یا "ط و ت" را با هم اشتباه گرفته‌اند و به جای هم نوشته‌اند) ما حتی بسیاری از اسامی عربی را کوردانده‌ایم (کوردی و بومی خود کرده‌ایم) اسمهایی مثل: عه‌به، عه‌ولا (عبدالله) مه‌حسه (معصومه) عبدالقادر (قاله) شه‌مسه (شمس‌الدین) ئامه (آمنه) حه‌میه (حمیده) و صدها اسم دیگر عربی را، پس دیگر این الفبا ملک خود ما کوردها است نه عرب و سامی و فارس.

۲- این الفبا قدمتی بسیار کهنتر از لاتین کوردی دارد تقریباً ۱۰۰۰ ساله.

۳- لاتین یک الفبای تحمیلی است که تقریباً ۷۰ سال پیش مصطفی کمال آتاتورک دیکتاتور بسان رضاشاه، به خاطر کینه و تنفرش از شرق و عرب و اسلام آنرا بر ملت خودش و همچنین ملت تحت تسلطش یعنی ملت کورد باکوور (کردستان ترکیه) تحمیل کرد، آتاتورک صاحب ایدئولوژی نژادپرستانه‌ای بود (همان کاری که رضاشاه هم با پیروی از او در ایران انجام داد و زبان فارسی را در ایران بر تمامی ملل داخل ایران، کورد و تورک و بلوچ و عرب تحمیل کرد و بقیه‌ی زبانها را ممنوع کرد، یعنی یکسان سازی فرهنگی). او معتقد بود هرچه علل عدم پیشرفت و عقب افتادگی ملت تورک است برمی‌گردد به فرهنگ و تمدن شرق و اسلام. او با این کارش عملاً زبان کوردی را دو شقه کرد و باعث جدایی و انشقاق هر چه بیشتر کوردهای باکوور از کوردهای رژه‌لآت و باشوور شد. ظلم بزرگی که هیچگاه فراموش نخواهد شد. او همچنین با تغییر الفبا، ترکیه را از بخش عظیمی از فرهنگ و ادبیات و تمدن و گذشته‌ی خود محروم و جدا ساخت.

۴ - نواقص لاتین بیشتر از نواقص الفبای عربی است، الفبای لاتین هیچ نشانه‌ای برای هشت فونیم و آوای زبان کوردی ندارد برای مثال در لاتین (ع-غ-ء-ل-ر-ح و...) وجود ندارد اما کوردی عربی اینگونه نیست. اگر هم دقت کرده باشید کرمانجی زبانها نمی‌توانند حروفی مثل ل و ر را غلیظ تلفظ کنند و آنرا مانند فارسها تلفظ می‌کنند که این خود می‌تواند تا حدی ناشی از تاثیر منفی الفبای لاتین بر زبان و فونتیک آنها باشد، هرچند منکر این نیستیم که در الفبای کوردی عربی برای انواع (و) و انواع (ی) فقط از یک نویسه استفاده می‌شود و بزرگه^۱ هم ندارد، در حالی که در لاتین اینگونه نیست (W-U)

۵- قسمت اعظم آثار و شاهکارهای ادب کوردی (نالی - وهفایی - مه‌حوی - خانی) با الفبای کوردی عربی است.

۶- بیشترین نشریات و کتابهای منتشره‌ی کوردی در جنوب و شرق، یعنی کردستان عراق و ایران با الفبای عربی است.

۷- تقریباً هیچ نشریه و کتابی کوردی با لاتین در کردستان ترکیه به دلیل ممنوعیت کوردی تا این اواخر چاپ نمی‌شدند (هر چند این اواخر آزاد شده) و خوانندگان کورد زبان آنجا با تورکی لاتین کتاب یا روزنامه می‌خوانند نه با کوردی لاتین (ترکی لاتین با کوردی لاتین متفاوت است). شاید بیش از ۹۰ درصد کوردهای زیردست ترکیه اصلاً کوردی نخوانده‌اند و نمی‌دانند در حالی که ما در جنوب (کردستان عراق) تجربه‌ای ۵۰ ساله در خواندن و نوشتن کوردی داریم.

۸- این تفکر تغییر الفبا به خاطر تصور و ذهنیت غلطی است که از کوردهای زیردست ترکیه و شوروی سابق داریم و اینطور فکر کنیم که چون بیشترین جمعیت کوردها را تشکیل می‌دهند پس لاتین اولویت دارد در حالی که اینگونه نیست و همیشه حق با اکثریت نیست، چون کوردهای زیردست ترکیه و شوروی سابق به علت عدم آشناییشان با الفبای کوردی عربی متأسفانه نمی‌توانند حتی چند کلمه از این همه کتابها (میلیونها) منتشر شده‌ی باشوور (کردستان عراق) را بخوانند و بهره بگیرند. و از آن طرف هم گفتم تعداد کتابهای منتشر شده به زبان کوردی و با الفبای لاتین در ترکیه شاید به شمار انگشتان دست هم نرسد.

۹- زیباییهایی که خط نستعلیق الفبای کوردی دارد هیچگاه در الفبای لاتین وجود ندارد.
۱۰- بدون تعصب الفبای عربی جزوی از میراث فرهنگی و فرهنگ ما شده و با آن مانوس و عجین شده‌ایم و هیچ مشکلی باهاش نداریم (باید استادان و زبانشناسان کورد و اعضای فرهنگستان زبان کوردی در رفع نواقص جزئی آن بکوشند) چون بزرگترین سخنوران و نویسندگان ما از باباطاهر کورد - احمدخانی - ملای جزیری - فهقی ته‌یران - مولوی - بیسارانی - آثار گرانبهای آیین یارسان - نالی - وفایی - محوی - هیمن - هزار و... آثارشان را با همین الفبا خلق کرده‌اند و تقریباً برگرداندن همه‌ی این آثار از الفبای عربی به لاتین ناممکن می‌باشد.

۱۱- از این گذشته باید این واقعیت را پذیرفت که ملت کورد در رابطه با الفبا، آیین، فرهنگ، تاریخ و جغرافیایش بخشی است از تمدن شرقی و هندوایرانی و نمی‌تواند دست از فرهنگ و تاریخ و تمدن و آیینش بشوید.

۱۲- از همه مهمتر بدبختانه سرزمین ما به چند پاره تقسیم شده ، از آنطرف وجود دو الفبا (لاتین و عربی) در زبان کوردی زیانهایش به مراتب بیشتر از مزایایش است هیچ کشوری دارای دو الفبا نیست و اصولا کاری منطقی نیست و دشوار کردن کار خود اصولا بی معنی است.

۱۳- من با الفبای لاتین آشنایی کامل دارم و در نظر دارم یک درس را هم به آشنایی با این الفبا اختصاص دهم اما به طور کلی با الفبای کوردی عربی موافقم اما معتقدم یک فرد علاقمند به زبان کوردی باید در کنار الفبای کوردی عربی با رسم الخط و الفبای کوردی لاتین آن هم آشنا شود و آنرا در مدتی کوتاه یاد بگیرد. و در مدارس هم هر دو الفبا آموزش داده شود اما به شیوهی رسمی از الفبای کوردی عربی استفاده شود. در ضمن معتقدم کسی که ادعای علاقه به زبان و ادب کوردی را دارد باید با همه‌ی لهجه‌های شیرین زبان کوردی از جمله چهار گویش اصلی آن (کرمانجی شمال - کرمانجی مرکز - کرمانجی جنوب و گوآران- زازا) تقریبا و حداقل در حد فهمیدن آشنا باشد.

۱۴- نکته‌ی آخر اینکه ما با تغییر الفبا از عربی به لاتین هیچگاه اروپایی و پیشرفته و مدرن نخواهیم شد، ژاپن و چین و کره بهترین نمونه و مصداق این سخند، آنها هیچگاه الفبای پیچیده‌ی خود (به قول دوستی خرچنگ قورباغه‌ی) خود را به لاتین تغییر ندادند و نمی‌دهند و پیشرفته هم هستند و نمونه‌ی دیگر کشور سومالی است که با داشتن الفبای لاتین اینگونه وضعیتی دارد. پس الفبا ربطی به پیشرفت و مدرنه شدن ندارد. اکنون ما که از الفبای کوردی عربی استفاده می‌کنیم چیزی از بزرگی ما کم نخواهد شد و نقصی آنچنانی در آن نمی‌بینم.

فیرگه‌ی زمانی کوردی - وانه‌ی ۶

۲- (ع : ع ع ع ع)

در زبان فارسی تلفظ این نویسه بسیار به نویسه‌های زیر شبیه است :

(̄) آوای فتحه در عربی / آ (آی با کلاه) / (̇) آوای ضمه در عربی / (̈) آوای کسره در عربی .

لذا برای تشخیص آن، به نویسه‌ی "ع"، (عین) گفته می‌شود. در زبان فارسی کلمات "علی، عالی، علوم، عشق" به ترتیب شبیه "آلی، آلی، آلی، اُوم، اِشق" تلفظ می‌شوند.

اما در زبان کوردی نویسه‌ی "ع" همانند عربی از حلق تلفظ می‌شود. و تفاوت آن نسبت به نویسه‌های ذکر شده در بالا کاملاً قابل تشخیص است. لازم به ذکر است که تعداد زیادی از زبان‌شناسان کورد معتقدند این نویسه در هیچ کلمه‌ی ریشه‌دار کوردی بکار نمی‌رود و این نویسه متعلق به زبانهای سامی بوده که با ورود اسلام به سرزمین کوردستان این نویسه نیز وارد آواهای زبان کوردی شده است.

۳ و ۴ - (غ : غ غ غ) و (ق : ق ق ق ق)

در زبان فارسی نویسه‌ی "غ" همانند نویسه "ق" تلفظ می‌شود. لذا به نویسه‌ی "غ"، (غین) و به نویسه‌ی "ق"، (قاف) گفته می‌شود. بدین گونه که کلمات (غار، غارتگر، غافل، غربت، غایب) با "غین" و کلمات (قاب، قاتل، قصاب، قشنگ، قطار) با "قاف" نوشته می‌شوند اما همه‌ی کلمات تقریباً با "قاف" تلفظ می‌شوند یعنی بدین صورت:

(قار، قارتگر، قافل، قربت، قایب، قاب، قاتل، قصاب، قشنگ، قطار)

تلفظ این دو نویسه در زبان کوردی:

در زبان کوردی برای تلفظ نویسه‌ی "ق" انتهای زبان به انتهای سقف دهان می‌چسبد و در لحظه‌ی بیرون راندن هوا (با فشار) زبان از سقف دهان جدا شده و آزاد می‌گردد.

برای تلفظ نویسه "غ" انتهای زبان به انتهای سقف دهان (نزدیک به زبان کوچک) می‌چسبد و در هنگام بیرون راندن هوا (بدون فشار) زبان همچنان به سقف دهان چسبیده می‌ماند.

لازم به ذکر است که تعداد زیادی از زبان‌شناسان کورد معتقدند نویسه‌ی "غ" در هیچ کلمه‌ی ریشه‌دار کوردی بکار نمی‌رود و این نویسه متعلق به زبان‌های سامی بوده که با ورود اسلام به سرزمین کوردستان این نویسه نیز وارد آواهای زبان کوردی شده است.

در بیشتر کلمات ریشه‌دار زبان کوردی نویسه ی " غ " به نویسه ی " خ " تبدیل می شود .

کلمه غیر کوردی	نوشتن کلمه با الفبای عربی	تبدیل "غ" به "خ" یا جایگزینی با یک کلمه کوردی
غم <<	غهم	خهم
غافل <<	غافل	خافل
غزال <<	غزال	خزال
غار <<	غار	ئه‌شکه‌وت

فیرگه‌ی زمانی کوردی- وانه‌ی ۲

۵- (و : و) W (بیصدا یا صامت یا بی‌دهنگ)

در زبان فارسی این نویسه اگر در اول کلمه بیاید همانند (V) در انگلیسی و (ف) در کوردی تلفظ می‌شود . بدین گونه که کلمه‌ی " ورود " بصورت (vorood) ادا می‌شود . این حرف مانند حرف " W " در زبان انگلیسی تلفظ می‌شود .

تلفظ نویسه‌ی " و " در کوردی همانند تلفظ نویسه‌ی " W " در انگلیسی و لاتین و نویسه‌ی " و " در عربی است . بدین گونه که برای تلفظ آن لبها غنچه می‌شوند و هرگز از دندانها استفاده نمی‌شود (لبها و دندانها هیچ تماسی با هم پیدا نمی‌کنند)

مثال: ورج - وریا - که‌و - وینه - وان - میوژ - سه‌رکه‌وت - پاراو

بررسی دسته‌ی چهارم :

حروفی که هم از لحاظ نوشتاری و هم از لحاظ تلفظ با الفبای سایر زبانها از جمله فارسی کاملاً متفاوت هستند.

این حروف عبارتند از : ئ / ر / ف / ل

شایان ذکر است که تلفظ این حروف برای غیر کوردها گاهی بسیار مشکل است و با تمرین زیاد مهارت در تلفظ آنها حاصل می‌گردد .

حرف (ئ) :

تقریباً معادل همزه (ء) در فارسی است . در زبان کوردی بصورت بسیار خفیف ادا می‌شود و همیشه در ابتدای کلمات کاربرد دارد . همچنین به تمامی مصوتها هم می‌چسبد .

(ئ+ه) : ئه‌و ، ئه‌سرین ، ئه‌رده‌لان ، ئه‌رخه‌یان ، ئه‌مشه‌و ،

(ئ+ـیـ) : ئیواره ، ئیره ، ئیوه ، ئیسته ، ئیسک

(ئ+و) : ئۆخه‌ی ، ئۆبال ، ئۆخر ، ئۆقره ، ئۆگر

(ئ+ل) : ئازاد ، ئاوات ، ئاگر ، ئاش ، ئاکام

(ئ+وو) : ئووستا

(ئ+یی) : ئیتر ، ئیش ،

(ئ+بزروکه) : ئسپار ، ئستران

حرف (ر) :

تلفظ این حرف معمولاً برای غیر کوردها بسیار سخت است . برای تلفظ صحیح باید زبان کمی عقب‌تر از دندانها قرار گیرد و بخشی از نوک زبان با پشت دندانهای بالا بچسبد . این حرف مشدد و ادامه‌دار تلفظ می‌شود .

از لحاظ نوشتاری نشانه ی (۷) هفت کوچک در زیر " ر " قرار می‌گیرد که برای جدا سازی این حرف از حرف " ر " که نازکتر تلفظ می‌شود حتماً حتی در ابتدای کلمه نیز لازم است.

" تلفظ نویسه " ر " :

باران ، کاروان ، شار ، دار ، سه‌بره‌رز ، تیتر ، ته‌یاره ، ته‌رزه ، له‌رزه ، ته‌خار "

این نویسه هیچگاه در ابتدای کلمه قرار نمی گیرد.

" تلفظ نویسه " ر " :

رپیوی ، رهش ، رزگار ، مه ر ، گاربان ، پارانهوه ، در ، خر ، شهر ، شر "

در ابتدای کلمه : **راز - ران - راست - رازی - رادار**

در وسط کلمه : **برویش - گو رین - هاو ری - چاو رهش - گه ران**

در انتهای کلمه : **گور - مه ر - کور - که ر - پر**

توجه توجه: این نویسه اگر در ابتدای کلمه بیاید همیشه باید حتما نشانه‌ی (۷) در زیر آن قرار گیرد، چون یک حرف کاملا مستقل از (ر) نازک یا کوچک می باشد. مثل: **راز - ران - رپیوار و....**

فیرگه‌ی زمانی کوردی- وانه‌ی

حرف (ف : ف ش ف) :

تلفظ این حرف دقیقا مانند تلفظ حرف (V) در انگلیسی و لاتین می باشد. این حرف جزو حروف صامت (بیصدا) کوردی است. فارس زبانها نیز حرف (و) در ابتدای کلمات را به همین صورت تلفظ می کنند مانند تلفظ (و) در کلمه (ورود) اما نویسه‌ای برای آن ندارند در حالی که در زبان کوردی برایش حرفی در نظر گرفته شده است. طرز تلفظ بدین صورت است که لب پایین کمی گرد شده و دندانهای بالا روی آن قرار می گیرند. به تلفظ این حرف در کلمات زیر دقت کنید :

تافگه - مرؤف - ئەفین - ئەفیندار - هه‌فأل - چاف - ده‌فه‌ر - گو‌فار - په‌یفین - بفه -

ئافان ، باف ، دلؤفان ، شه‌ف ، ئاف ، رؤژافا

توجه: این حرف بیشتر در کلمات لهجه یا دیالکت کوردی کرمانجی شمالی (کوردهای زبردست ترکیه و سوریه و بخشی از جنوب و بخشی از کوردستان ایران و کوردهای

خراسان و ارمنستان) رایج است و تلفظ می‌شود. در کوردی مرکزی (ناوه‌پراست) به ندرت دیده می‌شود.

حرف (ل) :

شاید سخت‌ترین حرف برای تلفظ همین حرف باشد. در زبان کوردی از دو حرف (ل) و (ل) استفاده می‌شود، که اولی درشت و دومی خفیف ادا می‌شود. برای تلفظ (ل) غلیظ یا کلفت) بخش بیشتر از زبان نسبت به تلفظ حرف (ل نازک یا خفیف) زبان به سقف دهان می‌چسبد و کمی پایین‌تر از نوک زبان نیز به دو طرف داخل دهان نزدیک می‌شوند. همچنین برای جداسازی از حرف (ل) که نازک تلفظ می‌شود روی این حرف نشانه () هفت کوچک قرار می‌گیرد. در انگلیسی همانند تلفظ (LL) می‌باشد.

" تلفظ نویسه " ل " :

" لانک ، لووس ، لۆکه ، پشیله ، مه‌له ، گه‌ل ، کلک ، دیل ، جل ، مل ، له‌یلا

" تلفظ نویسه " ل " :

" که‌له‌گه‌ت ، به‌لالووک ، ئالۆز ، گل ، گول ، شه‌تل ، چقل ، چه‌قل ، دل ، تال ، گول ، هه‌لۆ "

این نویسه هیچگاه در ابتدای کلمه قرار نمی‌گیرد. یعنی هیچ کلمه‌ایی در زبان کوردی با آوای " ل غلیظ " آغاز نمی‌گردد و اگر کلمه‌ای با " ل " شروع شود حتماً " ل نازک " است، که در ابتدای آن کلمه استفاده شده است.

وتی بخوینته رۆله‌ی دل‌رفینم نه وه‌ک بمرم ئه‌من بۆ تو نه‌میتم

کورم ئه‌وه‌ی نه‌زانی بی‌به‌هایه وه‌لی زانا له بۆ عالهم چرایه

ئه‌من نه‌م‌خویندوووه رۆله‌ی نه‌به‌ردم له بۆ زانست هه‌تا هه‌م دل به‌ده‌ردم

(مه‌لا غه‌فوور ده‌بباغی)

فیترگه‌ی زمانی کوردی - وانه‌ی ۹

معرفی حروف صدادار یا مصوت(ده‌نگدار):

دوستان خواهشمند است در آموزش این درس و درسهای بعدی دقت بیشتری فرمایند چون مشکل بیشتر کسانی که در املا و خواندن کوردی ضعیفند بیشتر در حروف صدادار می‌باشد.

توجه:

در زبان کوردی چون شیوه‌ی مکتوب عین شیوه‌ی ملفوظ می‌باشد(هرآنچه از دهانمان خارج می‌شود نوشته می‌شود) لذا بر خلاف زبان فارسی و عربی و انگلیسی و... که به نظر من یک نقص بزرگ در آموزش این زبانها به نوآموزان می‌باشد ما در زبان کوردی برای هر صدا و حرکت از یک حرف(نویسه) استفاده می‌کنیم که نوشته هم می‌شوند. یعنی ما در زبان کوردی با اینکه زبانمان در بخشهایی از کوردستان نه به شیوه‌ی رسمی تدریس می‌شود و نه خدمتی به آن می‌شود و با این همه محرومیت و مصیبتی هم که در طول تاریخ پر از اندوه و رنجمان کشیده است، مشکل حروف صدادار را حل کرده‌ایم و آنها را به صورت نوشتار درآورده‌ایم، و این خود در آموزش این زبان مزیتی است انکار ناشدنی.

این حروف همانطور که قبلاً نیز اشاره شد ، عبارتند از :

فَتحه / کسره / ضمه / L ، ا / و ، و (صدای او) / ی ی (صدای ایی)

دوستان دربارهی حروف صدادار چند نکته را توجه داشته باشند که:

- ۱- حروف صدادار در آغاز هجا(که‌رت) نمی‌آیند.
- ۲- دو حرف صدادار در کنار هم قرار نمی‌گیرند.
- ۳- هر هجا دارای یک حرف صدادار است.
- ۴- حرف دوم هر هجا صدادار است.

حال به معرفی این آواها(صداها) می‌پردازیم

۱ - صدای " َ فتحه " یا : (سه‌ره)

این صدا را در کوردی بصورت (ه / ه) می نویسند .

در زبان فارسی صدای فتحه تلفظ می‌شود اما روی کلمه اعراب گذاری نمی‌شود اما در زبان کوردی هم تلفظ می‌شود و هم نوشته می‌شود. در کوردی لاتین به شکل (e) نشان داده می‌شود.

تفاوت زبان فارسی و کوردی در صدای فتحه :

کوردی

فارسی

سرد (س + ر + َ + د) <<<< سه‌رد (س + ه + ر + د)

درد (د + ر + َ + د) <<<< ده‌رد (د + ه + ر + د)

زهر (ز + ه + َ + ر) <<<< زه‌هر (ز + ه + ه + ر)

مشاهده می‌گردد که صدای (َ) تبدیل به شکل نوشتاری (ه / ه) شده است .

خه‌م - خه‌ف‌ت - ده‌گم‌ن - فه‌ره‌نگ - مه‌ه‌ستی

در شعر زیر نمونه‌هایی از فتحه (سه‌ره) آمده است.

وه‌هارهن سه‌وزهن ئاوه‌ن سه‌رکاوه‌ن

هاژه‌ی وه‌فراوه‌ن شاخه‌ی شه‌تاوه‌ن

به‌زمن شادیه‌ن عه‌یشه‌ن نیشاته‌ن

که‌یفهن شو‌خیه‌ن شه‌وقهن حه‌یاتهن

(مه‌وله‌وی تاوه‌گۆزی)

۲ - صدای " کسره " یا : (ژیړه)

این صدا را در کوردی بصورت (یّ / ی) می‌نویسند .

در زبان فارسی صدای کسره تلفظ می‌شود اما روی کلمه اعراب گذاری نمی‌شود اما در زبان کوردی هم تلفظ می‌شود و هم نوشته می‌شود . در کوردی لاتین به شکل (ê) نشان داده می‌شود.

تفاوت زبان فارسی و کوردی در صدای کسره :

فارسی کوردی

زرشک (ز + ر + ش + ک) << زیړیشک (ز + یّ + ر + یّ + ش + ک)

بهشت (ب + ه + ش + ت) << بیّه‌یشت (ب + یّ + ه + یّ + ش + ت)

درز (د + ر + ز) <<<< دیرز (د + یّ + ر + ز)

مشاهده می‌گردد که صدای (کسره) تبدیل به شکل نوشتاری (یّ / ی) شده است .

دی - سی - خیر - شیت - تیر، گری - پی‌رار - شیر

به شعر زیر از ماموستا هه‌لۆ (قاسم مویدزاده) دقت فرمایید:

گولێ بلێ که کێ ده‌لێ که کێ قه‌راره بیته‌وه؟

که کێ؟ له کوی؟ چ وه‌خته؟ چۆن؟ به ئینتیزاره بیته‌وه

۳ - صدای " ضمه " یا : (بۆره)

این صدا را در کوردی بصورت (ۆ / ۆ) می‌نویسند .

در زبان فارسی صدای ضمه تلفظ می‌شود اما روی کلمه اعراب گذاری نمی‌شود اما در زبان کوردی هم تلفظ می‌شود و هم نوشته می‌شود .

می‌توان آنرا با تلفظ عدد ۹ با تلفظ کوردی (نۆ) مقایسه کرد. این صدا تلفظی طولانی‌تر و بازتر از (و u) کورت (مثل واژه‌ی کورد) دارد. در کوردی لاتین به شکل (O) نشان داده می‌شود.

تفاوت زبان فارسی و کوردی در صدای ضمه :

فارسی **کوردی**

لرد (ل + ر + [ُ] + د) <<<< لۆرد (ل + ر + ^ۆ + د)

پشت (پ + [ُ] + ش + ت) <<<< پۆشت (پ + ^ۆ + ش + ت)

برد (ب + [ُ] + ر + د) <<<< بۆرد (ب + ^ۆ + ر + د)

مشاهده می‌گردد که صدای ([ُ] ضمه) تبدیل به شکل نوشتاری (^ۆ / ^ۆ) شده است .

زۆر - بۆر - نۆ - بۆن - مۆن - خالۆ - بۆکان - پۆشه‌ن - رۆن - مۆن - کۆمار

فیترگه‌ی زمانی کوردی- وانه‌ی ۱۰

توجه:

در درس پیشین هم گفتم باز هم میگم، در زبان کوردی چون شیوه‌ی مکتوب عین شیوه‌ی ملفوظ می‌باشد (هرآنچه از دهانمان خارج می‌شود نوشته می‌شود) لذا بر خلاف زبان فارسی و عربی و انگلیسی و... که به نظر من یک نقص بزرگ در آموزش این زبانها به نوآموزان می‌باشد ما در زبان کوردی برای هر صدا و حرکت از یک حرف (نویسه) استفاده می‌کنیم که نوشته هم می‌شوند. یعنی ما در زبان کوردی با اینکه زبانمان در بخشهایی از کوردستان نه به شیوه‌ی رسمی تدریس می‌شود و نه خدمتی به آن می‌شود و با این همه محرومیت و مصیبتی هم که در طول تاریخ پر از اندوه و رنجمان کشیده است، مشکل

حروف صدادار را حل کرده‌ایم و آنها را به صورت نوشتار درآورده‌ایم، و این خود در آموزش این زبان مزیتی است انکار ناشدنی.

۴ - صدای " ل / ا " (صدای آ)

این صدا را در کوردی بصورت (ل / ا) می نویسند . هیچگاه در اول واژه قرار نمی‌گیرد.

در زبان فارسی نیز این صدا به همین صورت تلفظ و نوشته می‌شود. در کوردی لاتین به شکل (A) نشان داده می‌شود.

تفاوت (ا) و (آ) در آن است که (آ) صامت و بیشتر در اول کلمه قرار می‌گیرد اما (ا) مصوت و فقط در اول کلمه قرار می‌گیرد.

توجه:

(آ) در زبان کوردی به شکل (ئا) نوشته می‌شود، مثلاً: ئاو- ئاوات- ئاواز- ئاکۆ- ئاگرین- ئارارات- ئاربابا- ئاره‌زوو و... هرچند در فارسی همزه‌ی اول آن نوشته نمی‌شود (آب) اما در اصل همزه یکی از حروف صامت و جزو حروف فارسی است و در کلمه وجود دارد و طبق قانون دستور زبان باید نوشته شود، اما متأسفانه در فارسی نوشته نمی‌شود، و به صورت ناپیدا وجود دارد. اما در رسم‌الخط کوردی این اصل رعایت می‌شود. چون ما می‌گوییم هیچ کلمه‌ای در زبان کوردی و فارسی با مصوت آغاز نمی‌شود. (صامت+مصوت)

کوردی

فارسی

باران (ب + ل + ر + ا + ن) <<<< باران (ب + ل + ر + ا + ن)

دارا (د + ا + ر + ا) <<<< دارا (د + ا + ر + ا)

سارا (س + ل + ر + ا) <<<< سارا (س + ل + ر + ا)

داخ - شاخ - ژان - مار - ناخ - کارزان - کاروان - نازاد - ئاوات

۵ - صدای " سوو / وو " (صدای اوی کشیده) یا : (واو جووت)

این صدا را در کوردی بصورت (سوو / وو) می نویسند .

شیوهی شناخت (وو) در کوردی به شرح زیر است:

- ۱- می توان آنرا با تلفظ (و) در عدد ۲ با تلفظ کوردی (دوو) مقایسه نمود.
- ۲- در هنگام تلفظ لبهای بالا و پایین مثل غنچه جمع می گردد و به سمت جلو حرکت می کند و کشیده تر از حد معمول تلفظ می گردد.

در زبان فارسی نیز این صدا هم تلفظ می شود و هم نوشته می شود اما با این تفاوت که در زبان فارسی برای صدای (اوی کشیده) از فقط یک " و " استفاده می شود . در کوردی لاتین به شکل (û) نشان داده می شود.

در جملهی زیر هر چهار نوع (واو)(۳ تا مصوت و ۱ تا صامت) در زبان کوردی دیده می شود:

(مامه کوچه که ی کووچه ی ئیمه کوچی دوایی کرد.)

w o û u

کردی

فارسی

رود (ر + و + د) <<<< روود (ر + وو + د)

شور (ش + و + ر) <<<< شوور (ش + وو + ر)

نور (ن + و + ر) <<<< نوور (ن + وو + ر)

لووت - توور - جووت - پووت - بوون - تووبا - مووش

۶ - صدای " سی / یی " (صدای " ایی " کشیده)

همانطور که گفته شد در زبان کوردی صداها نیز به صورت حروف نشان داده می‌شوند. این صدا را در کوردی بصورت (سی / یی) می‌نویسند. در کوردی لاتین به شکل (آ) نشان داده می‌شود.

در زبان فارسی نیز این صدا به همین صورت تلفظ و نوشته می‌شود. متاسفانه در الفبای کوردی عربی بر خلاف کوردی لاتین هم برای (ی) صامت و هم برای (ی) مصوت از یک شکل نوشتاری یکسان استفاده می‌شود، (که باید فکری برای این مشکل کرده شود تا تشخیص آن برای نوآموزان آسان باشد) به همین خاطر در بعضی موارد تشخیص آن دو از هم دشوار می‌باشد، اما با تمرین و تکرار رفع می‌شود.

نحوه‌ی شناسایی (ی) صامت و (ی) مصوت:

الف) (ی) صدادار (مصوت)

حرف بی‌صدا + ی = حرف بی‌صدا = صدادار. مانند = دین - شیر = dîn - řî

ب) (ی) بی‌صدا (صامت)

بی‌صدا + صدادار + ی = صدادار = صدای بی‌صدا. مانند = مایه - مایه = maye - aye

به‌رایه = تشکیل شده از: بی‌صدا + صدادار + بی‌صدا + صدادار + بی‌صدا + صدادار = berayî

ته‌نیایی = تشکیل شده از: (هجای اول: بی‌صدا + صدادار + بی‌صدا) (هجای دوم: بی‌صدا +

صدادار + بی‌صدا + صدادار) = tenyayî

کوردی

فارسی

شیرین (ش + یی + ر + ن) <<<< شیرین (ش + یی + ر + ن)

بینا (ب + یی + ن + ا) <<<< بینا (ب + یی + ن + ا)

سینا (س + ی + ن + ل) <<<< سینا (س + ی + ن + ل)

شیرین - سی - بیر - پیر - تیشک

۷- صدای "و / و" (صدای اوی کوتاه) یا: واو کورت

این صدا را در کوردی بصورت (و / و) می نویسند . تلفظ این صدا کمی کوتاه تر از صدای او کشیده است.

در زبان فارسی این صدا اصلا وجود ندارد اما در انگلیسی تلفظ می شود . در کوردی لاتین به شکل (u) نشان داده می شود.

متأسفانه در الفبای کوردی عربی بر خلاف کوردی لاتین هم برای (و) کورت صدا دار و هم برای (و) عادی بیصدا (w) از یک شکل نوشتاری یکسان استفاده می شود، به همین خاطر در بعضی موارد تشخیص آن دو از هم دشوار می باشد، اما با تمرین و تکرار آسان می شود.

واو کورت صدا دار: کورد ، کورت ، کوردستان ، گورگ، قور = **qur** - **kurdistan**

واو عادی بیصدا: ورچ - وریا - هاوار - رهوان - شوال - میو - کهو = **hawar** - **siwall**

تلفظ او کوتاه (کورت) در زبان انگلیسی Put , Could :

کورد ، کورت ، کوردستان ، گورگ ، کول ، قور، قوروه ، تورت

فیرگهی زمانی کوردی - وانهی ۱۱

۸ - صدای بزروکه (کورته بزوین) یا کسرهی کوتاه (i)

این صدا که عرب آنرا کسرهی مختلسه می خواند و در واقع یک چهارم کسره است؛ در زبان کوردی به بزروکه (گم شده - پنهان شده) معروف است. این کسره آنقدر کوتاه

ادا می‌شود که انگار گم یا پنهان شده است، به همین جهت در الفبای کوردی عربی برای آن حرفی در نظر گرفته نشده است.

در الفبای زبان کوردی با رسم الخط عربی (آرامی) برای مصوت هشتم (بزرۆکه) هیچ نشانه‌ای تعیین نشده است و به خاطر همین به دو مشکل اساسی زیر منجر شده است. اما در الفبای کوردی لاتین این صدا به شکل (ä) نشان داده می‌شود:

۱ - تعدادی از کلمات کوردی هستند مانند (بردن، من، مردن، ژن و...) در ظاهر فاقد مصوت هستند اما به هنگام تلفظ **یک صدای کسره‌ی بسیار کوتاه** خودنمایی می‌کند. بدین معنی که این صدا هم وجود دارد و هم تلفظ می‌شود.

بردن = birdin مردن = mirdin، من = min شر = şir قرتاندن = qirtandin

۲ - مشکل دوم زمانی خودش را خوب نشان می‌دهد که بخواهیم زبان کوردی را بر اساس رسم الخط عربی به یک غیرکورد آموزش دهیم. **کوردها** خود با توجه به زبان مادری بودنشان، ناخودآگاه می‌توانند تشخیص دهند که در کجای کلمه (صدای کسره‌ی کوتاه) وجود دارد اما برای غیر کورد چنین امکانی حداقل در ابتدای راه وجود ندارد و این خود باعث سردرگمی می‌شود.

برای تشخیص بزرۆکه (صدای کسره‌ی کوتاه) می‌توانیم از نکات زیر استفاده کنیم:

• الف: در کلماتی که با دو حرف صامت پشت سرهم شروع شده‌اند مانند {بردن، من، ژن، مردن، بزن، خستن} حتما بعد از صامت اول مصوت بزرۆکه (صدای کسره‌ی کوتاه) وجود دارد.

بردن، من، ژن، مردن، بزن، خستن، سر، قرتاندن، مراندن و...

• ب: چنانچه در آخر کلمه دو حرف صامت به دنبال هم بیایند، آمدن بزرۆکه در میان آنها بستگی به نحوه‌ی تلفظ آن کلمه دارد:

۱. در کلماتی مانند {بردن، مردن، بزن، خستن} که بین دو حرف آخر همه این کلمات بزرۆکه وجود دارد.

۲. در کلماتی مانند (زانست) بین دو حرف آخر هیچ مصوتی قرار نمی گیرد در این کلمه بین دو حرف (ن) و (سـ) این کسره کوتاه (بزرۆکه) تلفظ می شود.

ج: تعداد مصوت‌های هر کلمه با تعداد سیلاب‌های (بخشهای) آن کلمه برابر است.
مثال : کلمه‌ی " زانست " دو سیلاب دارد " زا + نست "

در سیلاب اول صدای " ا " مصوت است و در سیلاب دوم صدای " بزرۆکه " مصوت است. به نحوی قرار گرفتن بزرۆکه در واژه‌های زیر دقت کنید.

befir	= به‌فر
kotir	= کوتر
destit	= ده‌ستت
hatim	= هاتم
bidin	= بردن
zistan	= زستان
Kurdistan	= کوردستان

فیرگه‌ی زمانی کوردی- وانه‌ی ۱۲

یاساکانی ریتووسی(رینووسی) ستانداردی کوردی
(قوانین املا‌ی استاندارد کوردی)

تکایه له ریتووسی کوردیدا ئەم خالانه له به‌رچاو بگرن:

- ۱- پیتی (و)ی کورت واته (و)ی ده‌نگدار (u) وه‌کوو: کورد . کوشت . کور
- ۲- پیتی(و)ی دریژ واته(وو)ی ده‌نگدار (û) وه‌کوو: سوور . چوو . پووور
- ۳- پیتی(و)ی کۆنسۆنانت واته (و) بیده‌نگ (w) وه‌کوو: وریا . وه‌ره . ورچ
- ۴- پیتی(ۆ)ی کراوه واته(ۆ) ده‌نگدار (O) وه‌کوو: مۆم . گۆر . هۆره

توجه: هه‌ر وشه‌یه‌ک به پیتی (و) ده‌ست پی بکات به یه‌ک (و) ده‌نووسریت.به‌لام به داخه‌وه هه‌ندی که‌س ئەم خاله له به‌ر چاو ناگرن و به‌که‌یفی خۆیان له سه‌ره‌تای وشه‌وه

دوو (و) داده نین واده زانن وا دروسته، له کاتی کدا هه موومان ده بی پیره وی یه ک یاسا بین و پولیسی زمانه که مان بین. نابی ریگه بدهین هه ر که سه به سه لیکه ی خوی ری نووسی کوردی دهسکاری بکات.

بۆ نموونه: وریا. ولات. وشه. ورد راستن به لام: ووریا، ووشه، وولات هه لهن

۵- پیتی (ی) ی دهنگدار واته (ی: آ) وه کوو: زهوی - zewî

۶- پیتی (ی) ی کونسونانت واته (ی: ی) وه کوو: یار - yar

۷- پیتیکی (ی) ی دهنگداری فره کورت (بزرۆکه که پیشتریش باسم کرد) هه یه که له

نووسینی کوردی به ئه لفوییی لاتینیدا نیشانه ی (ا) ی بۆ دانراوه وه ک له وشه کانی: من-

min ، ژن - jin ئه م نیشانه یه له نووسینی کوردی به ئه لفوییی عه ره بیدا نییه و هیچ پیتیکی

بۆ دانه نراوه، دیار نییه و بزر بووه، بۆیه ناوی نراوه: (بزرۆکه).

۸- نیشانه کانی (ی) ی دهنگدار و (ی) ی بیده نگ واته (آ) و (ی) له پیتی عه ره بیدا

هه ردووکیان هه مان نیشانه ی (ی) یان هه یه: به لام له راستیدا له یه کتر جیاوازن و له کاتی به

دوای یه کتر هاتیاندا ده بی هه ردووکیان بنووسرین.

وه ک: نییه. چیه. دیارییه که. زهوییه که = راستن به لام: نیه . چیه = هه لهن

Nîye. Çîye. Dîyarîyeke. Zewîyeke

۹- له کاتی هاتی سئ پیتی (ی) به دوای یه کتردا وه ک له وشه کانی

(ئاوا بییه که مان...) (کو تاییه که ی...) (وه ستاییه کی...) ده بی به سه ر یه که وه بنووسرین، واته سئ

(ی) به شیوه ی (بی) به دوای یه کتردا دین.

Awayîyekeman . Kotayîyekey

کوردی کرماشانی = منظور کورد اهل کرماشان

کوردیی کرماشانی = منظور لهجه ی کوردی کرماشانی (کوردی خواروو)

۱۰- پیتی (ر) گران یان گر، واته (ر) ی نیشانه دار. ئه م پیتته له هه ر کو بییه کی وشه دا هات

ده بی به نیشانه که یه وه بنووسریت. ئه مه یاسایه و نابی یاسا فیدای جوانی بکه ین. واته له

سه ره تا و نیوه راست و کو تایی وشه دا هه ر (ر) گرانی نیشانه داره. وه ک: رۆژ. بریار. که ر

۱۱- پیتی (و) ی به یه که وه به ستن (عطف) به شیوه یه کی جیاواز له وشه ی پیش خوی و پاش

خوی وه ده نووسریت و مامه له یه کی سه ره به خوی له گه لدا ده کریت.

بۆ نموونه: من و تو. ئاره زوو و وریا.

۱۲- له هه نديک وشه ی لیکدراودا(مرکب) پیتی (و)ی به یه که وه به ستن بووه ته به شیک له هه ر دوو وشه لیکدراوه که و به هه موویان وشه یه کی سه ربه خویان دروست کردووه.

وهک: کاروبار. دهنگ وباس. هات وچوو. کال وکرچ. خاک و خؤل. لات ولووت. گری وگؤل

له م بارانه دا مامه له یه کی سه ربه خؤل له گه ل پیتی(و)ی به یه که وه به ستندا ناکریت و ده بی (و) به شیوه ی نیوه مه ودا(نیم فاصله =گرفتن کلید شیفت کیبورد + فشردن حرف H) بنووسریت.

۱۳- وشه ی ناساده چ ناو بی یان زاراه ده بی به سه ر یه که وه وه کوو یه ک وشه بنووسرین. وه ک:

ناو : چه مچه مال. بی که س. دلشاد. بیخال. میانداو. کانیکه وه.

زاراهه: ریٹووس. ریٹووان. ده سبه جی. جیبه جی. نیشتمانپه روه. ده ستنووس. ولاتپاریژ. دووشه ممه.

سیشه ممه. یه که سه ر. راسته و خؤل.

۱۴- هه ر وشه یه کی بیانی چ هات بیتته نیو زمانی کوردییه وه، یان هه ر ناو و وشه یه کی تر، که له نووسینی کوردیدا دیتته پیشه وه، ده بی به ریٹووسی کوردی بنووسریت.

وهک: ئەللا. قه له م. ئە که ر، عه بدولپه حیم. عه بدولباسیت. ئۆتۆمبیل.

۱۵- ئامرازی(تر) ئە که ر به مانای صفت تفضیلی بیت، ده بی بلکیتدری. وه ک:

باشتر. که متر. کالتر. جوانتر. خاوتر

۱۶- ئامرازی(تر) ئە که ر به مانای (دیگر) بیت ده بی به جیا و به شیوه ی

نیوه مه ودا(نیم فاصله) بنووسریت. وه ک: **رۆژیکی تر. سالیکی تر**

بۆ که لک وه رگرتن له نیوه مه ودا له سه ر ته خته کیلی کوردی ده بی هاوکات هه ردوو کیلی (shift+H) بگيردری.

۱۷- ئامرازی(دا) ئە که ر به مانای کردار(فعل) بیت ده بی به جیا بنووسریت. وه ک: سارۆ له

هه لمه تی دا

۱۸- ئامرازی(دا) ئە که ر به مانای کردار نه بیت ده بی بلکیتدری. وه ک: له ئاکامدا یه کمان

بینی.

۱۹- نیشانه کانی نه ناسراوی(ناشناس) وه ک(یه ک، یک، هک) به شیوه ی خواره وه ده چنه سه ر

وشه کانی پیش خویان:

یه که م: ئە که ر وشه کان به پیته بزویته کانی (ا، ی، ه، ئ) ته واو بووبن ئە وا نیشانه ی (...یه ک) یان

ده خریته پال. وه ک:

چیا: چیا یه ک - زه وی: زه وی یه ک - ویتنه: ویتنه یه ک - دی: دی یه ک

دووهم: ئه گهر وشه كان به پیتی بزویتی (وو) یان هه ر پیتیکی دهنگدار تهواو بووبن ئهوا نیشانهی (یک- له کرمانجی خواروودا) و (هک- له کرمانجی سهروودا) دهچیتته سه.وهک:

خانوو: خانوو یک، خانوو هک - گوند: گوند یک، گوندهک - ژن: ژن یک، ژنهک

۲۰- پیشگه کانی (هه ل، دا، را، وه، ده ر). ئه م پیشگرانه کاتی دهچنه سه ر چاوگ (بن) یان فرمان (فعل) یان هه ر حاله تیکی تر، پییانه وه ده لکین به مه رجی جیناوی لکاو (ضمیر متصل) نه که وتبیتته نیوان پیشگر و وشه که ی دوا ی خوی. وه ک:

هه ل: هه لکردن، هه لگرتن، هه لکورمان، هه لکیشان

دا: دابران، داخستن، دارمان

را: راگرتن، راکیشان، راپه رین

ده ر: ده رهیتان، ده رکردن

وه ر: وه رگرتن، وه رسووران

۲۱- وشه ی (چ) هه میشه وه کوو وشه یه کی سه ربه خو مامه له ی له گه لدا ده کری: **چ** ده خوات؟

۲۲- نیشانه ی کوی (گه ل) به شیوه ی نیومه ودا

بنووسریت: کچ گه ل. کور گه ل. دیهاتی گه ل. شاری گه ل

۲۳- رهنگ له وشه لیکدراوه کاندا به نیومه ودا

بنووسریت: دل رهش، رهش به له ک، سه رسپی، ئامال رهش

۲۴-.....

فیرگه ی زمانی کوردی- وانه ی ۱۳

تقسیم بندی میزان استفاده از الفبای لاتین و عربی در سرزمینهای کوردنشین :

درصد در کوردستان ترکیه با الفبای لاتین - ترکیه	42
درصد کوردستان ایران	38
درصد کوردستان عراق	18
درصد کوردستان سوریه	2
درصد در سایر مناطق با الفبای عربی	58

علاوه بر این تعداد، کوردهای زیردست روسیه و ارمنستان از الفبای سیریلیک استفاده می‌کنند.

جدول مقایسه‌ای الفبای زبان کوردی با کارکترهای لاتین و عربی :

الفبای عربی (صامت ها) :

ئ / ب / پ / ت / ج / چ / ح / خ / د / ر / ر / ز / ژ / س / ش / ع / غ / ف /
ف /

ق / ک / گ / ل / ل / م / ن / و / ه / ی

الفبای لاتین (صامت ها) :

B / P / T / C / Ç / H / X / D / R / RR / Z / S / Ş / F / V / Q / K / G / L
/ LL / M / N / W / H / Y

فیترگهی زمانی کوردی- وانهی ۱۴

ئاگاداری

دۆستان و هوگرانی فیربوونی زمانی کوردی، بو فیربوون و راهیتانی زیاتر له زمانی کوردی ده‌توانن به کرینی گوڤار و کتیبی کوردی و خویندنه‌وه‌یان خۆتان زیاتر له فییر بوونی خویندنه‌وه‌ی کوردیدا تاقی که‌نه‌وه، من خۆم (نه ته‌نیا من هه‌زارنی وه‌کوو من) فییربوونی کوردیم له گوڤاری سروه‌ی ئازیز تاقه یادگاری مامۆستا هیمنه‌وه ده‌ست پیکرد و خۆم به قهرزدارای سروه ده‌زانم. ئیستا که سروه نه‌ماوه هیوادارم تامه‌زرۆیانی زمانی کوردی به کرینی گوڤاره کوردیه‌کان، پشتیوانی زمانه‌که‌ی خۆیان بن و خۆیان له خویندنه‌وه و ریتووسی کوردی دا زیاتر رابه‌یتن.

در الفبای لاتین نویسه‌ایی جدا برای این آوا تعریف نشده است و از همان نویسه ی (h / H) استفاده می‌شود. البته برای جدا کردن آن از (H ه) بهتر است یک علامت (هشت ۸) روی آن قرار گیرد.

ر : (RR / rr)

همانطور که قبلا گفتیم هیچ کلمه‌ایی در زبان کوردی با (ر نازک) شروع نمی‌شود. و هر کلمه‌ای که با (ر) شروع شود حتما (ر) غلیظ است و علامت (هفت) آن باید گذشته شود. گاران = garran / راست = Rrast - رادار = Rradar

ع :

بسیاری از زبان‌شناسان کورد معتقدند این نویسه در هیچ کلمه‌ی ریشه‌دار کوردی بکار نمی‌رود و این نویسه متعلق به زبان‌های سامی بوده که با ورود اسلام به سرزمین کوردستان تا مدت‌ها کوردها با تلفظ این نویسه مشکل داشتند و مدت زیادی طول کشیده تا تلفظ این نویسه را یاد گرفتند .

در الفبای لاتین نویسه‌ایی جدا برای این آوا تعریف نشده است و معمولا از ترکیب مصوتها با صامت بعد از (ع) استفاده میشود. برای ساده سازی به نحوه‌ی تلفظ این حرف در زبان فارسی دقت کنید. البته بهتر است از علامت (,) ویرگول در لاتین برای این نویسه استفاده شود.

علی (در فارسی ؟ الی تلفظ می‌شود) = elî,

عبد (در فاسی ؟ ابد تلفظ می‌شود) = ebid,

عالی (در فاسی ؟ آلی تلفظ می‌شود) = Alî,

عشق (در فاسی ؟ اشق تلفظ می‌شود) = Êşq,

غ :

یادآوری:

در بیشتر کلمات ریشه‌دار زبان کوردی نویسه ی " غ " به نویسه ی " خ " تبدیل می شود . در کلماتی که همچین تبدیلی صورت نمی گیرد کلمه‌ای کوردی جای کلمه‌ی بیگانه را می‌گیرد.

تبدیل "غ" به "خ" یا
کلمه غیر کوردی نوشتن کلمه با الفبای عربی
جایگزینی با یک کلمه کوردی

خه‌م	<<	غه‌م	<<	غم
خافل	<<	غافل	<<	غافل
خه‌زال	<<	غه‌زال	<<	غزال
ئه‌شکه‌وت	<<	غار	<<	غار

در الفبای لاتین نویسه‌ایی جدا برای این آوا تعریف نشده است و معمولا استفاده‌ایی هم ندارد اما اگر به هر دلیلی نیاز باشد از (X/x) استفاده می شود. البته برای جدا کردن آن از (خ X) بهتر است یک علامت (۸ هشت) روی ایکس گذاشته شود.

ل: (LL / ll)

این حرف هیچگاه در ابتدای کلمه قرار نمی‌گیرد. یعنی هیچ کلمه‌ای در زبان کوردی با آوای " ل غلیظ " آغاز نمی‌گردد و اگر کلمه‌ایی با " ل " شروع شود حتما " ل نازک " است ، که در ابتدای آن کلمه استفاده شده است .

تال = tall - مال = maLL - حال = hall

مصوتها:

بزرۆکه (l / i)

یادآوری:

این صدا که عرب آنرا کسره‌ی مختلسه می خواند ، در زبان کوردی به بزرۆکه (گم شده - پنهان شده) معروف شده است . این کسره آنقدر کوتاه ادا می‌شود که انگار گم یا پنهان شده است .

در الفبای زبان کوردی با رسم الخط عربی برای مصوت هشتم (بزرۆکه) هیچ نشانه‌ای تعیین نشده است و همین به دو مشکل اساسی زیر منجر شده است:

۱ - تعدادی از کلمات کوردی هستند مانند (بردن ، من ، مردن) در ظاهر فاقد مصوت هستند اما به هنگام تلفظ **یک صدای کسره بسیار کوتاه** خودنمایی می کند . بدین معنی که این صدا هم وجود دارد و هم تلفظ می شود اما در الفبای زبان کوردی با رسم الخط عربی هیچ نشانه‌ای برای نشان دادن آن در نظر گرفته نشده است

۲ - اشکال دوم زمانی خودش را خوب نشان می دهد که بخواهیم زبان کوردی را بر اساس رسم الخط عربی به یک غیر کورد آموزش دهیم . کورد ها خود با توجه به زبان مادری بودنشان ، ناخودآگاه می توانند تشخیص دهند که در کجای کلمه (صدای کسره کوتاه) وجود دارد اما برای غیر کورد چنین امکانی حداقل در ابتدای راه وجود ندارد و این خود باعث سردرگمی می شود.

.....
"رینووسی بیّه‌له‌ی زمانی کوردی، وانه‌کانی کاک دیاکو هاشمی"

پیشه‌کی

"رینووس" (رسم الخط املاء orthography)، به‌پیی یاسا و رپسای زمانه‌وانی، فیرمان ده‌کات که وشه‌یه‌ک به چه‌ند شیوه‌ی جو‌ربه‌جو‌ر نه‌نووسین. ئاخو‌راستترین وشه‌له‌م پۆلانه‌ی خواره‌وه کامانه‌ن؟:

- (کار تی کردن، کار تی کردن، کار تی کردن). (کاری تی کرد، کاری تی کرد، کاری تی کرد).
- (دهست لیدان، دهست لی دان، دهست لی دان). (دهستی لی دا، دهستی لی دا، دهستی لی دا).
- (نان کردن، نان کردن). (نانی کرد، نانی کرد).
- (مال ویران کردن، مال ویران کردن، مال ویران کردن). (مال ویران کردن، مال ویران کردن، مال ویران کردن).
- (نیه، نی یه، نی یه، نی یه).

له م وتاره دا، هه ول ده دریت به گویره ی بریاره کانی "ئه کادیمیای زمانی کوردی" و، به له بهرچا وگرتنی زانستی کۆمپیوتەر و، به بهراوردکاری له گه ل زمانه زیندوو ه ئه ورووپیه کاندایا، کۆمه لئی یاسا و پرسیا روون کرینه وه، تا له پینووسیکی بیه له نزیکتەر بینه وه.

ئه لیبی

ژماره ی پیته کانی ئه لیبی کوردی (٣٤) دانهن و بریتین له:

ئ - ا - ب - پ - ت - ج - چ - ح - خ - د - ر - پ - ز - ژ - س - ش - ع - غ - ف - ق - ک - گ - ل -
 ل - م - ن - ه - و - و - و - و - ی - ئ.

بزوینه کان

بزوین بهو دهنگانه دهوترین که له کاتی بیژه (تلفظ) یاندا، ده م و زار توژی زیاتر ده کرینه وه و زیاتر ده کیشریین. بزوینه کان جووله و بزواندن ده خه نه ناو وشه وه.

بزوینه کان له راستیدا (٨) دهنگن، به لام به ئه لیبی سووانی (عه ره بی) ته نها (٧) دهنگیان نیگار و پیتیان بو دانراوه و ده نووسریین و بریتین له:

(ا - و - و - و - و - ی - ئ).

یاسا: (له هه ر وشه یه کی کوردیدا لانی که م یه ک بزوین به کار ده چیت):

(ناو naw) - (كورد Kurd) - (كۆمار komar) - (سوور sūr) - (بەرد berd) - (كوردی kurdî) - (سێ sê) - (زانستپەرۆر zanistperwer).

بزرۆكه (i)

هەندئ وشەى كوردى هەن كه له پڕۆلەتادا بزۆینیان تێدا نابینرئ وهكوو: (بردن، من، ژن، چل، مردن، بزن، خستن)، بەلام لەپراستیدا دەنگى بزۆینیان تێدايە. ئەو بزۆینە لە ئەلفبى كوردى لاتینیدا بە پیتی (i) دیارى كراوه، بەلام لە ئەلفبى عەرەبیدا هیچ پیتیكى بۆ دانەنراوه، دیار نییە و بزر بووه، بۆیە ناوی نراوه: (بزرۆكه). نموونه:

(بردن birdin)، (من min)، (ژن jin)، (چل çil)، (مردن mirdin)، (بزن bizin) و (خستن xistin).

وشەى "مشك" لە ناوچە جۆرەجۆرهكانى كوردستاندا بە دوو شیوازی (mişik) و (mişk) بیژە دەكریت، بەلام لە ئەلفبى عەرەبیدا هەر بە یەك شیواز دەنووسریت: "مشك".

كەوا بیّت (٨)هەمین دەنگى بزۆینی كوردى بە ئەلفبى عەرەبى نانووسریت و، "بزرۆكه"یە. (i).

لەم قیدیۆیەدا دەتوانن چا و لە ئەلفبى كوردى بكەن:

ئەلفبى كوردى

ئەلفبى كوردى بە لاتینی

لاتان سەیر نەبئ ئەگەر بلیین بۆ ئەوهى لە ئەلفبى كوردى كه بە پیتی عەرەبى دەنووسرئ، باشتەر تئ بگەن، زۆر گرنگە ئەلفبى كوردى لاتینی بناسن. ئەم ئەلفبىیە بریتییە لە:

A - B - C - Ç - D - E - Ê - F - G - H - I - Î - J - K - L - M - N - O - P - Q - R - S - Ş - T - U - Û - V - W - X - Y - Z.

بزۆینەكانى بریتین لە (٨) دەنگ و هەر هەشتەكەیان دەنووسرینهوه: (A - E - Ê - I - Î - O - U - Û).

پاشكۆ: لە ناوه‌پراست و كۆتاییی وشەدا: (rr = ڤ) و (ll = ڤ).

(پەرۆ = perro)، (کەر = kerr) یان (کەلک = kellk)، (سان = sall).

پییوست ناکات له سەرەتای وشە بە ئەلفبەیی لاتینی، بۆ نووسینی (ر) کەلک له (rr) وەرگرین، چونکوو زۆر ناشیرین دیتە پیش چاو، بۆیە هەر (r) بەسە. وەکوو: (راز = raz)، (رێگا = rêga)، (رۆژ = roj). بەلام زۆر گرنگە له سۆرانیدا هەموو پیتیکی سەرەتای وشە که به (r) دەست پێ دەکات به (ر) بنوسرێن. نموونه: رێز، رەش، رزگار.

پیتە یارمەتیدەر

یاسا: (له زمانی کوردیدا دوو بزویڤ بەدوای یه کتردا نانوسرێن.):

بۆ نموونه، (یار) به لاتینی وا نانوسریت: (îar) یان (iar).

ههروهها (وان) وا نانوسریت: (uan) یان (ûan) یان (oan).

بۆ ئەو هی دوو بزویڤه که به دوای یه کتردا نه نووسین، کهلک له پیتیکی نه بزویڤ وهرده گرین که یارمهتی ده دات دوو بزویڤ پیکه وه نه نووسرێن. بهو پیتانه دهوترین: "پیته یارمهتیدەر"، که بریتین له (ی y) و (و w). بهمجۆره نموونه کانی سه ره وه ئاوا ده نووسرێن:

(یار yar).

(وان Wan).

(پیته یارمهتیدەر) له ئەلفبەیی لاتینیدا به پیتی (y) و (w) دیاری کراون. له ئەلفبەیی عه ره بیدا (ی) و (و) یان بۆ به کار ده چیت: (ی y)، (و w)، هه ر چه ند بۆ بزویڤه کانی (آ و u) ش به کار ده چن.

هه م بزویڤ و هه م نه بزویڤ

له ئەلفبەیی عه ره بیدا پیتیکی تایبەت نییه که "پیته یارمهتیدەر" ه کانی (y) و (w) یان پێ بنووسریته وه. بۆ ئەو مه به سه ته هه ر کهلک له پیته کانی (ی) و (و) وهرده گیرئ که بۆ بزویڤه کانی (î) و (u) ش به کار ده چن، واته (ی) و (و) هه م بزویڤن و هه میش نه بزویڤن:

(ی y)، (و w)، (ی î)، (و u).

بزوین: (ی آ)، (سلیمانى Silêmanî). (تیر = tîr).

نه بزوین: (ی y)، (کهى key). (بهیت = beyt).

بزوین: (و u)، (کول kul).

نه بزوین: (و w)، (خهوتن xewtin).

جیاکردنه وهى بزوین و نه بزوین له ئەلفبى لاتیندا زۆر ئاسانه، چونکوو هەر دهنگیك پیتی تایبهتمه ندی خۆى بۆ دانراوه. له ئەلفبى عه ره بیدا چونکوو بزوین و نه بزوین پیته كانیان جیا نه کراونه ته وه، تۆزى زه حمه ته لیك جیا کرینه وه، به لام ئەگه ر پيش یان پاش ئەوان پیتیکی بزوین هه بیته وه ئەوان ده بنه نه بزوین: (شایان şayan)، (مه ی mey)، (بیانه yane)، (کهوان kewan)، (شه و şew)، (ورد wird).

هه مزه (ء)

هه مزه، له زمانى عه ره بى و فارسیدا، له چه ند شوینىکی جوړبه جوړ به کار ده چیت، وه کوو: (أَ إِلَّا لِإِ ؤ ؤ ؤ)، به لام له زمانى کوردیدا ته نیا شیوازی (ئ) به کار ده بریت، ئەویش به مه به ستى ئەوهى نه هیلی دوو بزوین به دوای یه کدا بنووسرین.

هه ندی له زمانزانان هه مزه به بزوین داده نین و، لای هه ندیکیش به نه بزوین ده ناسریت، به لام له راستیدا کورد، هه مزه ی به شیوازی (ئ) به کار هینا و بریاری دا وه کوو (نه بزوین) یک چاوی لی بکات، بۆ ئەوهى نه هیلی دوو بزوین به دوای یه کدا، یان هه ندی بزوین له سه ره تای وشه دا بنووسرین، نموونه:

نازاد = نائازاد

او = ئاو

هو = ئەو

ۆخه ی = ئۆخه ی

وروپا = ئوروپا

یجگار = ئیجگار

قر تاندنی (ئ)

هه ندئ جار روو ده دات كه وشه يهك وا به پيتيكي نه بزوين كوتايي هاتوه، وه كوو: (شهو sew)، له گهل وشه يهك كه به (ئ) ده ستي پي كر دوو، وه كوو (ئاههنگ aheng)، پي كه وه كو ده بنه وه و وشه يكي نوئ پي ك ده هينن كه واتايه كي نويتري هه يه وه كوو:

شهو + ئاههنگ = شهوئاههنگ. لي ره دا پيوست ناكات (ئ) بمينيته وه و ده توانين بيقرتئين، چونكوو پيتي پيش ئه و بزوين نييه تا كي شه بيت. ده نووسين: (شهواههنگ). هه روه ها:

كارئاساني ده بيته: كاراساني.

مالئاوايي = مالاوايي.

بانئه فشار = بانه فشار (ناوي گه ره كي كه له شاري قه سري شيرين له پاريزگاي كرماشان).

كارئه ندامزاني = كاره ندامزاني (physiology).

توولئامراز = توولامراز (toolbar). (توول، شيش = bar)، (ئامراز، كه ره سته = tool).

هه روه ها:

كه مه ندام، چاوه سمه ر، چاوه ستيره، گوله ندام، گوله ستيره، شيره ندام، خاكه ناز.

كيشه ي بزويني (وو)

(وو û) ده نكيكي بزوينه و هه رگيز نابي له سه ره تاي وشه دا بنووسريت. زور هه له يه بنووسي: (ووشه ûşe، وورچ ûrç، وون ûn، ووس ûs و هتد)، به لكوو ده بي به (و w) ي نه بزوين بنووسريت، چونكوو دواي ئه و پيته، بزركه هه يه، كه وا بيت دوو بزوين پي كه وه نانووسرين و ده بي وا بنووسرين: (وشه wişe، ورچ wirç، ون win، وس wis و هتد).

به لام له ناوه راست و كوتاييدا ده نووسري: (سوور sûr)، (نوور nûr)، (چوو çû)، (توو tû).

زۆر كەس بە ھەلە دەنووسن: "كەر كوك، مەحمود، حوكومەت و ھتد". كە راستییەكەى ئاوايە: كەر كوك، مەحمود، حوكومەت و ھتد".

كیشەى بزوینى (ه ه)

(ه ه) سەرەپای ئەوہى كە دەنگىكى بزوینە، كردار (فعل verb) يکيشە كە لە "سییەم كەسى تاك" دا، واتای (is) ی ئینگلیزی دەدات: (It is could = ھەوا ساردە).

لە ئەلفبىی لاتیندا، كردارى (ه ه) بەجیا دەنووسریت: (Hewa sard e)، بەلام لە ئەلفبىی ەەرەبیدا، دەلكیت بە وشەكەى پیشیەوہ: (ھەوا ساردە). نموونەى تر: برامە، ھاوړیمە، كورە، كچە، پینووسە، دەستە، ریزمانە، كوردە، بەردە.

كیشەى (یە)

جاری وایە وشەكەى پیش (ه) بە پیتیكى بزوین (ا - و - و - و - و - ی - ئ)، كۆتاییى ھاتووە، وەكوو: (مامۆستا)، ئەو كاتە ئیتر لە جیاتى (ه) دەنووسین (یە): (مامۆستایە mamosta ye).

تیبینی: كردارى (یە) ش ھەر وەكوو (ه) دەبى بلکینرئ بە وشەكەى پیشیەوہ: (مامۆستایە)، نەك (مامۆستا یە). تەنانەت ئەگەر وشەكە بە (یى) ش كۆتاییى ھات ھەر پیکەوہ دەنووسینریت: ھەر وەھا:

(سپییە)، نەك (سپییە، سپییە، سپی یە).

(چییە)، نەك (چییە، چییە، چى یە).

(نییە)، نەك (نییە، نییە، نی یە).

(كوردییە)، نەك (كوردییە، كوردی یە).

(سنهییە) نەك (سنهیی یە، سنهییە).

کێشە (ی)

سەیری ئەم وشانە بکەن: (مە ی mey)، (بی bî).

لەو دوو نموونەییەدا، (ی y) نەبزوینە و دەنگێکی کورتە، بەلام (ی î) بزوینە و دەنگێکی درێژە، گەر سەرنج بەدەن دەبینن کە لە ئەلفبێی عەرەبیدا، هەر دوو شیوەکە (ی) وەکوو یەکن: (ی)، بەلام لە لاتینیدا دوو جوۆن (y) و (î). واتە لە ئەلفبێی عەرەبیدا جیاکردنەوی بزوین و نەبزوینی (ی) توۆزێ وردبوونەوی دەوێ، بەلام لە لاتینیدا، دوو شیوازی جوۆر بەجوۆرن و بەو جوۆرە جیاکردنەوی بزوین لە نەبزوین زۆر سانترە.

یاسا: (دوو دەنگی بزوین بەدوای یەکترا نابی بنووسرین).

سەیری ئەم وشەییە بکەن: (کوردی kurdî) + (هکان ekan) = (کوردیەکان kurdîekan).

ئایا لەو نووسینەدا هەڵەییەکی گەرەمان نەکردوو؟ با، ئەویش ئەوەیە کە دوو بزوینمان پێکەوه نووسیوه:

(یە îe). چار؟ دەبی کەلک لە پیتەیارمەتیدەر وەرگرین و بنووسین: (کوردییەکان kurdîyekan).

لە ئەلفبێی عەرەبیدا (بی) وەکوو یەکن، بەلام لە پراستیدا یەکەمیان بزوینە و دوو میان نەبزوینە. ئەگەر سەیری لاتینیەکە بکەین باشتەر بۆمان پرونە: (ی îy). بۆیە گەر بزانیین بە لاتینی چۆن دەنووسرین، زۆر بەئاسانی لێک جیا دەکرینەوه.

کێشە بزوینی (ی î)

(ی î) دەنگێکی درێژە و بەداخەوه لە ئەلفبێی عەرەبیدا هیچ پیتیکی جیاوازی بۆ دانەنراوه. هەندێ لە نووسەران بۆ بزوینی (î) هەموو کاتی کەلکیان لە (ی) وەردهگرت، تەنانەت لە ناو پراست و کوۆتایی وشەشدا، و دەیاننوسی:

(تیییر tîr)، (سییر sîr)، (چیییمەن çîmen)، (کوردیی kurdî)، (سیی sî)، (سلییمانیی Silêmanî)، (کفریی Kifrî). بەلام چونکوو ناشیرین بوو، لە ناو نووسەر و خوینەری کورددا جیی نەگرت و بەناچاری هەر یەک (ی) بۆ بەکار هیئرا: (تیی tîr)، (سییر sîr)، (چیییمەن çîmen)، (کوردی kurdî)، (سی sî)، (سلییمانی Silêmanî)، (کفری Kifrî).

به کارهینانی (یی): لهه شوینانه دا کهک له (یی ی) وهرده گیرئ:

(رهشایی reşayî)، (به رایى berayî)، (دوایی diwayî)، (کوٹایی kotayî)، (پانایی panayî)، (شینہیی şênayî)، (سنہیی Sineyî)، (ههله بجهیی Hellebceyî)، (رانیهیی Ranyeyî)، (ورمییی Wirmêyî) و (ته نیایی tenyayî).

(ی) ی پیوهندی

(ی) ی پیوهندی ئه و دهنگی (ی) یهیه که ده که ویتته نیوان دوو ناو، یان ناویک و ئاوه لئاویکه وه: مامۆستای قوتابخانه. کچی شوخ.

کیشه که له وه دایه کاتئ وشهیه ک خوی به (ی) کوٹایی بیته، وه کوو: (کوردی، ئیسلامی، کرماشانی، سنهیی، کوئی)، هه ندئ کهس ئیتر (ی) ی پیوهندییه که یان له بیر ده چی بینوسن، که هه له یه کی گه ورهیه. بۆ نمونه له باتیی "یه کیته نیشتمانی کوردستان" ده بی بنووسریت: "یه کیته نیشتمانی کوردستان".

ده بی وردبین بین و نه هیلین (ی) ی پیوهندی بقرتینریت، لهه نمونانه ی خواره وه دا (ی) ی پیوهندی ره چاو کراون:

داری سهوز، قوتابخانه ی سه ره تاییی کچان، کو ماری ئیسلامیی ئیران، کرماشانیی دلسوز، په پوله ی خوشه ویستی من، کو ییی هونه رمه ند، کاکه ییی کورد په روه ر، زاراوه ی هه ورامیی کۆن.

(ی) ی سییه م که سی تاک

هه ندئ له جیناوه لکاوه کان بریتین له:

م... مان...

ت... تان...

ی... یان...

وه کوو:

خواردم	خواردمان
خوارت	خواردتان
خواردی	خواردیان

جیناوی لکاوی سییه م کهسی تاك (ی)یه. له کاتی گهردانکردنی ئهو دۆخهدا، ئه گهر "به" ی کرداره که خوی به (ی) کۆتایی هات، (ی) جیناوی لکاو له بیر مه کهن، نمونه:

پرسیم	پرسیمان
پرسیت	پرسیتان
پرسیی	پرسییان

دهبی وا بنووسریڤن: من پرسیم، تو پرسیت، ئهو پرسیی. (نهك ئهو پرسی).

نمونه ی تر:

(دزین، برین، کرین، گۆرین، نووسین)، که له سییه م کهسی تا کدا ده به (ئهو دزیی، ئهو بریی، ئهو کریی، ئهو گۆرپی، ئهو نووسی).

کیشه ی پیتی (ر)

"ر" دهنگی گره که له سه ره تا و ناوه راست و کۆتایی وشه دا دیت:

راز، ههرا، مهرا.

تیپینی: نابئ (ر) گر له گه ل (ر) ساده تیکه ل بکریت.

یاسا: (هه موو دهنگی (ر) له سه ره تا ی وشه دا گره و دهبی به (ر) گر بنووسریت، نهك به (ر) ساده).

هه ندئ کهس له سه ره تا دا به شیوه ی (ر) دهینوسن و هیماکه ی بو دانانین. (ر) دهنگی ساده یه و زور جیاوازه له (ر). له سه ره تا ی وشه دا هه موو دهنگی (ر) زمانی کوردی، گره،

دهبى ھەموو كاتى بە ھىماكەيەو ھەنووسرىت. نابى بوترىت: "ئىمە دەزانىن ھەموو دەنگىكى سەرەتا گرە، كەوا بىت با بە (ر) ھنووسرىت و خۇمان تىي دەگەين كە گرە."

تەنانەت لەناو تەختەكلىلى كوردىشدا دوگمەيەك بۇ (ر) دىارى كراو، زۆر سەيرە بىين دوگمەيەكى تر لەباتىي ئەو دوگمەيە بەكار بەينين كە دەنگىكى ترە!
راست، رىگا، پۇخ، پۇد، رەنج، رىگار، رەش، رەنگ، پۇلە.

كىشەي پىشگرەكانى (ھەل، دا، را، وەر، دەر)

ئەم پىشگرانە كاتى دەچنە سەر چاوك يان فرمان يان ھەر شىوازيكى تر، پىيانەو دەلكىن بەمەرجى جىناوى لكاو نەكەوتبىتە نىوان پىشگر و وشەكەى دواى خۇى. وەك:

چاوك:

ھەل: ھەلكردن، ھەلگرتن، ھەلكورمان، ھەلكىشان، ھەلبرين، ھەلخستن.

دا: دابران، داخستن، دارمان، داگرتن، داگردن، دابەزىن، داخورپان.

را: راگرتن، راكىشان، راپەرىن، راخستن، راگويزان، راگواستن.

وەر: وەرگرتن، وەرسووران، وەرگەرپان.

دەر: دەرگردن، دەرھىنان، دەربرين، دەرخستن، دەرپەراندن.

فرمان:

ھەل: ھەلگرە، ھەلخە، ھەلمەخە، ھەلكشى.

دا: دانى، دامەبەرە، دابەزىنە. داگرە.

را: راكىشە، راپەرىنە، رامەپەرىنە. راگرە.

وەر: وەرگرە، وەرسوورىنە، وەرگەرپى، وەرچەرخى.

دەر: دەرپىنە، دەرخە، دەرکە، دەرچۆ.

دۆخی تر:

هه لکشاو، هه لخراو، هه لنه کشاو، هه لخریئراو. دانراو، داسه پاو، دابراو. پاپه ریئراو، پاپه ریو، پاگو یئراو، پاکشاو. وه رگیئراو، وه رگرتوو، وه رگرته، وه رسووراو، وه رگیئراو. ده ره یئراو، ده رخراو، ده رکراو، ده رچوو.

پیشگر و جیناوی لکاو

ئه گهر جیناوی لکاو (...م، ...ت، ...ی، ...مان، ...تان، ...یان) کهوته نیوان پیشگر و فرمانه کهی دوی خوی ئهوا بهجیا دهنوسریئ و جیناوه که به پیشگره وه ده لکیئری:

هه ل: هه لم گرن، هه لت گرن، هه لیان کیئن، هه لمان مه واسن، هه لتان برن.

دا: دامان نه نایه، دایان خهن، دای بره.

را: رایان ده گرن، رام کیئشه، راتان په ریئن، راشیان په ریئن.

وه ر: وه رمان گرتایه، وه ری نه گری، وه ریان سووریئه، وه رمان گه ریئه.

ده ر: ده ریان په راندین، ده ری خه.

گیروگرفتی فرمانی لیئکدراو (فعل مرکب compound verb)

فرمانی لیئکدراو بهو فرمانانه دهوترین که له دوو یان چه ند وشه پیئ هاتوون. وه ک: (ریئ + کهوتن = ریئکهوتن)، (پیئ + هیئان = پیئکه هیئان).

ئه م فرمانانه ئه گهر له دۆخی چاوگدا بن پیئکه وه دهنوسریئ، وه ک: ریئخستن، شه رکردن، کؤلنه دان، خه باتکردن، تالانکردن، تیئکان، سه رب ریئ.

ئه گهر له دۆخه جو ربه جو ره کانی فرمان (ئیسته، رابردوی ساده، رابردوی گیئراوه یی، رابردوی دوور) به کار ببریئ بهجیا دهنوسریئ:

ئیسته: ریئ ده خه م - ریئ ده خه ی - ریئ ده خات - ریئ ده خه یئ - ریئ ده خه ن - ریئ ده خه ن.

رځاږدووی ساده: رځم خست، رځت خست - رځی خست - رځمان خست - رځتان خست - رځیان خست.

رځاږدووی گځړاوهیی: رځم خستوه - رځت خستوه - رځی خستوه - رځمان خستوه - رځتان خستوه - رځیان خستوه.

رځاږدووی دوور: رځم خستوو - رځت خستوو - رځی خستوو - رځمان خستوو - رځتان خستوو - رځیان خستوو.

ئهگه له دؤخه کانی تر دا بن ههروه کوو دؤخی چاوگ پځکه وه دهنوسرځن: پځهاتن، پځهاتوو، پځهاته، پځهځنراو. سه رکه وتن، سه رکه وتوو.

نموونه ی تری گهردان (تصریفی فرمان (فعل):

فرمان (فعل) له دؤخی چاوگ (مصدر) دا پځکه وه دهنوسرځن: روونکردنه وه. به لام له دؤخه کانی تر دا جیا ده کرځنه وه:

تاک، دؤخی ئځسته: روونی ده که مه وه، روونی ده که ځته وه، روونی ده کاته وه.

کو، دؤخی ئځسته: روونی ده که ځنه وه، روونی ده که نه وه، روونی ده که نه وه.

تاک، رځاږدووی ساده: روونم کرده وه، روونت کرده وه، روونی کرده وه.

کو، رځاږدووی ساده: روونمان کرده وه، روونتان کرده وه، روونیان کرده وه.

تاک، رځاږدووی گځړاوهیی (نقلی): روونم کردبووه وه، روونت کردبووه وه، روونی کردبووه وه.

کو، رځاږدووی گځړاوهیی: روونمان کردبووه وه، روونتان کردبووه وه، روونیان کردبووه وه.

تاک، رځاږدووی دوور: روونم کردبوو، روونت کردبوو، روونی کردبوو.

کو، رځاږدووی دوور: روونمان کردبوو، روونتان کردبوو، روونیان کردبوو.

کیشی (و) ی پیوهندی (به یه که وه به استن)

پیتی (و and) وشه یه کی سهر به خو یه و ده بی سهر به خو هه لسو که وتی له گه لدا بکری و نه لکیند ری به وشه کانی پیش و پاشی خو ی.

بو نمونه ده بی بنووسری:

(من و تو) نهک (منو تو) یان نهک (من و تو).

(سهر و مال) نهک (سهر و مال) یان نهک (سهر و مال).

(هیوا و ئاوات) نهک (هیوا و ئاوات).

سهرنج: نمونه کانی سهر وه ههر کامه یان سی وشه ی جیاوازن و پیکه وه مانایه کی نوئ پیک ناهینن و ههر به تهنیا مانای خو یان پاراستووه و جیاوازییان هه یه له گه ل وشه ی لیکدراو که له خواره وه باسیان ده کری.

وشه ی لیکدراو (مرکب)

هه ندی جار دوو یان چهند وشه، که ههر کامه یان بو خو ی واتایه کی هه یه، پیکه وه کو دهنه وه و سهرجه م واتایه کی نوئتر پیک ده هینن، به م متوربه بوونه ده لین (وشه ی لیکدراو). وشه ی لیکدراو ده بی بلکین به یه که وه و نابی به جیا بنووسری و، به چهند شیوه پیک دین:

۱. بی هیچ یارمه تییهک:

جاری وایه "وشه ی لیکدراو"، بی هیچ یارمه تییهک دروست ده بی و تهنیا وشه کان پیکه وه ده لکین:

رہش + مال = رہش مال، که پیکه وه واتایه کی تر پیک ده هینن و ئه و کاته ده بی پیکه وه بنووسری: رہش مال.

خویندن + گه = خویندنگه.

زانست + پهروه ر = زانستپهروه ر.

پاش + بنه ما = پاشبنه ما.

كتيب + خانه = كتيبخانه.

مهله + گه = مهلهگه.

۲. به يارمهتیی پیتی (و):

جاری وایه "وشه ی لیكدراو"، به يارمهتیی پیتی (و) پیکهوه ده لکین:

ئال + و + گوڤ = ئالوگوڤ.

مشت + و + مڤ = مشتومڤ.

ئهلف + و + بی = ئهلفوبی.

دهنگ + و + باس = دهنگوباس.

۳. به يارمهتیی پیتی (ه):

جاری وایه "وشه ی لیكدراو"، به يارمهتیی پیتیه بزوینی (ه) پیکهوه ده لکین:

بهرد + ه + قاره مان = بهرده قاره مان.

گول + ه + گهنم = گوله گهنم.

بهرز + ه + فڤ = بهرزه فڤ.

ئاگر + ه + دیوار = ئاگره دیوار.

نموونه ی تری وشه ی لیكدراو:

خوترنجینه، خوکوژ، بهردباران، کاروبار، ئهلفوبی، هاتوچو، زانستپهروه، زانستخواز، ئازادیخواز، ولاتپاریز، سیشه ممه، راسته وخو، نیشتمانپهروه، گوله گهنم، رینووس، باوکمردوو، یه کگرتوو، ئالوگوڤ، رۆژنامه نووس، هه والنی، په یامنی، بهرزه فڤ، جه رگبڤ، منالپاریز، چه مچه مال، بیکهس، جیبه جی، دهستبه جی، کانیکه وه، هه لگورد، تاقبوستان (تاقوسان)، ملهور، تهخته کلیل، پاشبنه ما، بنکه دراوه (databa)، بهسته یل (dash)، پروومیژ (desktop)، زانیارینامه (encyclopedia)، ئاگره دیوار.

پیتی (ت) له کۆتایی فرماندا

پیتی (ت) له کۆتایی فرماندا هم دهتوانرئ بنووسرئ و هممیش دهتوانرئ نهنووسرئیت، وهکوو:

(دئ و دهروا) یان (دئیت و دهروات).

(نان دهکا) یان (نان دهکات).

وشه یانی

هه ر وشه یه کی بیانی هاتبیته ناو کوردیه وه ده بی به پینووسی کوردی بنووسرئیت یان ئه گه ر پیویست بوو وه کوو خۆی بنووسرئته وه ده بی بخرئته ناو دوو که وانه وه. ئه لّلا، قه لّهم، ئه کبه ر.

له زمانی کوردیدا به (مذهب) ده لّین "رّیباز".

نامرازی (تر) و وشه ی (تر)

ئامرازی به راورد کردن (تر، ترین) ده بی بلکّین به وشه کانی پیشیان ه وه، وه کوو:

جوان، جوانتر، جوانترین

گه رم، گه رمتر، گه رمترین.

وشه ی (تر) به واتای (دی، دیکه)

وشه ی (تر) وشه یه کی سه ربه خۆیه و ده بی به جیا بنووسرئیت:

کابرایه کی تر، شه ویکی تر، نووسه ریکی تر.

پاشگره‌کانی (دا، را، وه، هوه)

دهبی بلکین به وشه‌کانی پیشیان‌هوه، وه‌کوو:

دا: له مالدا چاوم پی کهوت.

را: له کوپرا هاتی؟

وه: له کوپوه بو کوئ؟

وه: له هه‌وه‌له‌وه بیگی‌په‌وه.

فرمانی (دا)

وشه‌ی (دا) که رابردووی (دان، دایین)ه جیاوازیی هه‌یه له‌گه‌ل پاشگری (دا) و، ده‌بی به‌جیا بنووسریت:

له مالدا نامه‌که‌م پی دا. (نه‌ک پی‌دا).

له کوردستاندا لاوان گوئیان له دوزمن نه‌دا. (نه‌ک دوزمننه‌دا، نه‌ک دوزمن نه‌دا).

به‌لینم دا سبه‌ی بیبینم. (نه‌ک به‌لینمندا).

ئاخری وه‌لامی دایه‌وه. (نه‌ک وه‌لامیدایه‌وه).

کیشه‌ی (له)

(له)، هه‌ندی جار سه‌ربه‌خۆ ده‌نووسریت: "شۆرش له کوردستاندا گهرمه."

هه‌ندی جار ده‌لکی به وشه‌که‌ی پاشیه‌وه و وشه‌یه‌کی لیکدراو پیک دین: (له‌گه‌ل with)، (له‌سه‌ر on)، (له‌ژیر under). له‌و دۆخانه‌دا نابجی به دوو وشه جیا کرینه‌وه و بنووسری: (له‌گه‌ل، له‌سه‌ر، له‌ژیر).

(له)، هه‌ندی جار له‌گه‌ل (ئه‌وئ) و (ئیره) کۆ ده‌بیته‌وه و ئه‌و کاته، (ه) و (ئ) ده‌قرتینرین:

له ئه وئ = له وئ.

له ئیره = له ئیره

(بئ) يان (به بئ)؟

لیره دا ده مانه وئ به راورد کار بیهك له گه ل زمانه ئه ورووپیه كاندا بکهین، بو ئه و مه بهسته باشته به نمونه یهك ده ست پی بکهین:

جیاوازی (بئکار) له گه ل (بئ کار) له چیدایه؟ لکاندن یان نه لکاندن (بئ) به وشه که ی پاشی خو یه وه به ته واوی واتای وشه که ده گورئ:

ئو پیاوه دوو سال بئکار بوو.

بئ کار ژیان ئهسته مه. ده کرئ ئاواش بینووسینه وه: به بئ کار ژیان ئهسته مه.

هر کاتئ ناویکت هه بوو و خاوه نییته کی لی سهندرابیته وه (بئ) ده لکینین به سه ره تاي وشه که وه:

ببباوک، ببخانوو، ببکس، ببولات، ببنیشتمان، ببپاره، ببتام:

واته: که سی که باوکی نییه. که سی که خانوی نییه و هتد.

ئهم مه بهسته، له زمانه ئه ورووپیه كاندا، زور جار به پاشکویهك که ده لکی به وشه که وه دیاری ده کریت:

homeless = ببخانوو

tasteless = ببچیز

که جیاوازی هیه له گه ل (without):

I do not go there without you = بئ تو ناچم بو ئه وئ

(...less) = (...بئ)

(without) = (به بئ)

ئاۋەلكار (قىد)

كاتى وشەيەك چۆنىتىيى (كار، فرمان، كردار = فعل) يېك پوون كاتەۋە پېي دەوترى ئاۋەلكار (قىد). نمونە:

ئاسۇ بەخىرايى قسەى دەكرد. (چۆن قسەى كرد؟ "بەخىرايى")

سۇما بەتوورەيى ۋەلامى داىەۋە. (چۆن ۋەلامى داىەۋە؟ "بەتوورەيى")

لانى بەئەسپايى ھاتەۋە. (چۆن ھاتەۋە؟ "بەئەسپايى").

ئەۋەى لىرەدا جىگای سەرنجراكىشانە، ئەۋەيە كە "بە" دەلكى بە ئاۋەلناۋەكەى پاشىيەۋە، نابی لىك دوور خرىنەۋە. نمونەى تر:

بەجوانى، بەشادى، بەبەرزى، بەھىۋاشى، بەتوندى.

ئەم شىۋازە لە زمانى ئىنگلىزىدا (ly) دەگرىت و دەلكى بە ئاۋەلناۋەكەۋە: (بەسەختى hardly).

پاسپاردن

بۇ رېنوۋسىكى باش، بېگومان رەچاۋكردنى (خالبەندى) دەۋرىكى گرىنگ دەگىرئ.

خالبەندى (سجاۋندى)

لە نوۋسىنى دەقىكدا (متن)، سەرەراى رەچاۋكردنى (رعايت) كۆمەلئى ياسا و رېساي نوۋسىن، نوۋسەر دەبئى رەچاۋى ياساكانى خالبندىش بكات. دەقى كە خالبندى تىيدا رەچاۋ نەگراىئ، دەبئە ھۆى سەرلىشىۋاندىن لە خوئنەر و، لە ئەنجامىشدا، بەھەلەتىگەىشتن لە نوۋسراۋەكە.

ئەۋ نىشانانەى لە خالبندىدا زۆر بەكار دەبرئىن برىتىن لە:

۱. خال (نقطه)، كە بەم شىۋەيەيە: (.) .
۲. جووتخال (دو نقطه)، كە بەم شىۋەيەيە: (:).
۳. بۆر (وير گول)، كە بەم شىۋەيەيە: (،).
۴. خالبۆر (نقطه وير گول)، كە بەم شىۋەيەيە: (;).
۵. نىشانەى پرس (علامت پرسش)، كە بەم شىۋەيەيە: (?).

۶. نیشانه‌ی (خطاب) سه‌رسوورمان، که به‌م شیوه‌یه‌یه: (!).
۷. جووت که‌وانه‌ی بچووک (گیومه)، که به‌م شیوه‌یه‌یه: « ».
۸. جووت که‌وانه‌ی گه‌وره (پرانز)، که به‌م شیوه‌یه‌یه: () .
۹. هیلّ یان ته‌قلّ، که به‌م شیوه‌یه‌یه: (-).
۱۰. سیّ خالّ، که به‌م شیوه‌یه‌یه: (...).
۱۱. بوّشایی (فاصله).
۱۲. هیلّی لار (/)، (/) و پیتی (ر):

یه‌که‌م: خالّ (.) :

خالّ له‌م شوینانه داده‌نریت:

۱. له‌ کوّتاییی هه‌موو رسته‌یه‌کدا، جگه‌ له‌ پرس و سه‌رسوورمان، وه‌ک:

- نه‌ورۆز یه‌که‌م مانگی کوردیه.
- دوینیی نامه‌که‌م نووسی.

۲. له‌ دوای یه‌که‌م، یا یه‌که‌م و دووه‌م پیتی ناویک که‌ پیش ناوهینانی پاشناوه‌که‌ی بکه‌ویت، وه‌ک:

- ع. شه‌ره‌فکه‌ندی.
- م. م. به‌درخان.

۳. بوّ کورتکردنه‌وه‌ی هه‌ندی پیشه و نازناو (لقب) و ریکه‌وت (تاریخ)، دوای یه‌که‌م پیت داده‌نریت، وه‌ک:

- پیغه‌مبه‌ر (د. خ.). (پیغه‌مبه‌ر دروودی خودای لی بی).
- پ. عیزه‌ددین مسته‌فا ره‌سوولّ. (پروّفیسۆر عیزه‌ددین مسته‌فا ره‌سوولّ).
- د. سوّران. (دوکتۆر سوّران).
- ماده‌کان ۷۰۰ سالّ پ. ز. (پیش زاین) سه‌ریان هه‌لّدا.

۴. دوای سه‌ردیپر (عنوان) خالّ دانانریت، مه‌گه‌ر له‌ چهند رسته‌ پیک هاتبیّت.

۵. هه‌ندی جاریش له‌ جیاتی نیشانه‌ی سه‌رسوورمان له‌ دوای ئه‌و رستانه‌ی داده‌نریت که‌ داواکارییان (درخواست) تیدایه، وه‌کوو:

وه لآمه کانتان به راورد بکهن .

۴. ئه وروکه کاتئ له پروگرامیکه وهک (Word) بتهوی دیره کانت به ژماره دیاری بکهی، خوئی ئوتوماتیک پاش ژماره کان خال دادهنئ، وهک:

۱. مروف بوی ههیه بیروپای خوئی دهربرئ.

۲. کهس بوی نییه بیروبوچوونی کهسی بخاته ژیر پرساره وه.

۳. هه موو کهسی مافی یه کسانی ههیه له کومه لگادا.

سهرنج: خال، دهبی بلکینری به وشه کهی پیشه وه و بوشایی ههبی له گهل وشه دیویدا.

دووهم - جووتخال (:) :

جووتخال له م شوینه داده نریت:

۱. له پیش ناخاوتیکه وه (گفتگو) که وهک خوئی بگپر دیرته وه، یان بگوتریت، وهک:

ئاسۆ وتی: «من خه لگی کوردستانم.»

۲. له دوای وشه یهک یان باسیک، که پیوستی به تفسیر و راقه و لیکدانه وه بیئت، وهک: میرنشینه کوردیه کان بریتی بوون له: ئه رده لان، سوران، بادینان، بابان، هه کاری و بوکان.

۳. پیش هینانه وهی نموونه، له بری: (بو وینه، وه کوو، بو نموونه...)، له م دوخه دا ده توانریت تهقه لیکیش دوای

جووتخاله که دابنریت، وه کوو:

ئاسمانی ئه ده بی کوردی پره له ئه ستیره ی دره وشاوه: -

نالی، مه حوی، گوران، هیمن و هتد.

۴. زور جار له نیوان کاته کانی کاترمیریکدا هیمای جووتخال به کار ده چی، وه کوو: ۲۲:۲۰:۱۰ (کاترمیر ۱۰ و ۲۰ خولهک و ۱۲ چرکه).

سهرنج: جووتخال، دهبی بلکینری به وشه کهی پیشه وه و بوشایی ههبی له گهل وشه دیویدا.

سییه م - بۆر (:) :

بۆر نیشانه ی پشوویه کی کورته، له و شوینه داده نری که وا له رسته که بکات ئاسان بخوینریته وه،

روون بیئت و به باشی تی بگه یه نری. بۆر، چاره سه ریکی باشه بو رسته ی دوورودریژی

پشووب (نفس گیر).

وه لهه شوینانه داده نری:

۱. له دواى ناوى بانگراوه وه، وهك:
كچینه، ههول بدن، به ههولدان دهگه نه نامانج.

۲. له نیوان جیگر و جیلگیراودا، وهك:
مهستورهى كوردستانی، هونه ر و میژوونووس، له رۆژه لاتی كوردستاندا ده ژیا.

۳. لهو شوینانهى كه ژماردن و دووپاتبوونه وهى تیدایه، وهك:

- خوئ، رۆن، پیاز و برنج هه موو نهو شتانه یه كه پیویستن.
- زانیارییه كى باش، باشی هه بوو.

۴. بو جیاكردنه وهى وشه ی سه رسوورمان و وشه ی بانگیكراو له رسته دا، وهك:

- ئوف، چ هه وایهك!
- پینووسه كه م بده ری، ئاسۆ.

۵. بو دابړینی زنجیره وشه یهك له یه كتر، كه دوو دوو و پیكه وه به كار هیئرابن، وهك:
مروف به برسیه تی و تینوویه تی، به هیلاكی و ماندوویه تی، كوئی لی نادات.

۶. له دواى گیړانه وهیه كى راسته وخۆ، بو نموونه نه گه ر قسه كه ر، قسه یه كى كوئی خوئ
بگیړیته وه، وهك:
خۆم وتم، "چیکردنی(ساختن) مالمه ر زور نه ستم نییه."

۷. له پیش نامرازی لیكده ری (وه، یا، یان)ه وه، به مه رجیك نه كه وتیته سه ره تای رسته وه،
وهك:

- نه تو هاتبووی بو كو بوونه وه كه، وه نه ئاراسی هاوړیت.
- یا نامه كه بنووسه، یان په رتوو كه كه بخوینه ره وه.

۸. له دواى وشه ی (به لی، نه و نه خیر)ه وه، وهك:

- به لی، نامه كه م نارد.
- نه، لهو كاته دا ناتوانم به شدار بم.

۹. له باتیی فرمانیک (فعل) بۆ ئهوهی دووپات نه بیتهوه، وهک: من دهچم بۆ سلیمانی و ئهویش، بۆ ههولیر.

۱۰. له رستهی لیکدراودا، دهتوانریت له بری ئامرازی لیکدهری (و) به کار بهیتریت، وهک: شۆ ویستی بچی بۆ شایی، جلی له بهر کرد، خۆی رازاندهوه، ته له فۆنی له هاوړیکانی کرد، به کیان گرت، خۆیان گه یانده شاییه که.

۱۱. دهتوانریت له بری (که) ی لیکدهر له رسته دا به کار بهیتریت، وهک:

- پیم خوشه، پیکه وه بچین بۆ سینه ما.
- سوپاست لی ده که م، سهرت لی دام.

سهرنج: بۆر، ده بی بلکیریت به وشه که ی پیشه وه و بۆ شایی هه بی له گه ل وشه ی دوایدا.

.....

چوارهم - خالبۆر (؟):

خالبۆر بۆ وچانگرتنیکی دریزتر له بۆری ساده، به کار ده هیتریت. زۆر جار، له و رستانه ی که زۆر لیک نریکن له باتیی خال داده نری، وهک: له م سالانه ی دوا بییه دا، کوردیکی زۆر په رپوهی هه نده ران بوون؛ کورده کان ده توانن سوودیکی زۆر به گه له که یان بگه یه نن.

پینجه م - نیشانه ی پرس (؟):

نیشانه ی پرس، ده خریته کوتایی ئه و رستانه ی که پرساریان تیدایه، وهک:

۱. پینووسه که ت چی لی کرد؟

۲. ئایا ده زانی یه که م رۆژنامه ی کوردی چ سالی دهر چوو؟

شه شه م - نیشانه ی سه رسورمان (!):

ئهم نیشانه یه هه م بۆ سه رسورمانه، هه م بۆ ئه مرکردن یان داوا کردنه.

۱. له کوتایی ئه و وشانه، یان ئه و رستانه ی که سه رسورمان، یان په ژاره یی، یان هه ستیکی

ده روونی تیدایه، به کار ده هیتریت، وهک:

• چ هه ستیکی به سۆز!

•

• چه ند ده نگت خوشه!

- پیاوه گه نجه که وتی: "راست ده کهی، ئیمه یارمه تیت ده دهین، من رایین هوو دم."
-
- قازی موحه ممه د، چاونه ترس پرووی تی کردن: «ئیوه ئه مرؤ قازی موحه ممه دیک ده کوژن، سبهینی له ههر
- دلۆپه خوینیکی من، سه دان قازی موحه ممه دی تر سه ر هه لده ده ن.»

سه رنج: ئه گه ر پرسته که به خال، بۆر، هیما ی پرسیار، هیما ی سه رسورمان و هتد کو تایی هات، ئه وانه ش ده خرینه ناو که وانه کانه وه.

هه شتم ■ جووته که وانه ی گه وره () :

جووت که وانه ی گه وره به چند مه به ستیک به کار ده چی:

۱. وشه یه ک، یان پرسته یه ک ده خرینه نیوانی، که واتایه کی تایبه تی تری هه بیته، وه ک:

- پیره میرد (حاجی توفیق) له وه رگی پانی هونرا وه دا، ده ستیکی بالای هه بوو.
-
- شاری سلیمانی (که که وتوته دامینی چیا ی ئه زمه ر) سلیمان پاشای بابان بنیادی ناوه.

۲. وشه ی بیگانه، وه ک:

- ئاگره دیوار (firewall) پیش به خوترنجینه ران ده گری بۆ ناو کو مپیوته ره که ت.
-
- میری (حکومت) فرمانی کاولکردنی ناوچه که ی زوو ده رگر دبوو.
-
- بۆ نووسین به کوردی پیویسته ته خته کیل (keyboard) یکی کوردی دامه زرینی.

۳. سالی ده ستیک و کو تایی پرووداوی، یان سالی له دایکبوون و کو چکردنی که سی، وه ک:

- سنووری ده ولته تی هه سنه وی (۹۴۱ . ۱۰۱۴) که پاره و پوولیشیان هه لکه ندبوو، هه مه دان، مه هاباد،

- کرماشان و شاره زوور بوو.
-
- حه مه پاشا (۱۷۸۳ - ۱۸۴۶)، که به پاشای کۆره به ناوبانگه، توانیی له سالی ۱۵۱۸۲۰ سهر به خویی
- کوردستان له رهواندز راگه یه نی.

تیبینی: که وان که داده خری نابی بکلینری به وشه که ی پاشیه وه، به لام نه گهر وشه که هیشتا تهواو نه بوو ده بی بلکیت به که وان وه، وهک:

- نه مسال (حج) یکی کرد.
-
- وشه ی (file) یان له کوردیدا کرد به «په رگه».
- سهرنج: وشه کانی ناو که وان هکان نابی له گه ل که وان هکاندا بو شاییان هه بی.

نویه م ■ هیل یان ته قه ل (■):
 نه م نیشانه یه له م شوینانه دا به کار ده هیتریت:
 ۱. بو جیا کردنه وهی دوو که سی گفتوگۆ که ر، بو نه وهی هینده نه نووسری "وتی"، وهک:
 سۆز پرووی کرده ئاکۆ و وتی:
 • ئاکۆ، گویت له سهر بازه کانه؟
 • به ئی، دیاره ههر به دوامان ده گه پین.
 • تۆ بلیی بماندۆز نه وه؟
 • خه مت نه بی، ناتوانن.
 • نه گه ر کوژرام، دنیا به له گۆریشا ههر خوشم ده ویی.

۲. ده توانری له بری نهو که وان ه گه وره یه به کار به یتری که له خالی یه که می جووته که وان هی گه وره دا باسمان کرد، وهک:

- پیره میرد . حاجی توفیق . له وه رگی پانی هۆنرا وه دا، ده ستیکی بالای هه بوو.
-
- ده توانی ههر چنده میوه . جگه له مۆز . پیت خوشه، بخوی و، سهره پای نه وه ش
- کی شه که ت دابه زی.

۳. له نیوان ژماره و ژمیروادا، ئەگەر کهوتە سەرەتای پرستەوه، هەر چەند دەگری خالیش دابنری، وهک:

هەندی له مەرجهکانی بڵاوبوونەوی بابەت بریتین له:

۱. بابەتەکه دەبی سوودگەیهنەر بیّت.
۲. پرچاوکردنی رینووسی کوردی.
۳. پرچاوکردنی خالبندی.
۴. سەرچاوهکان دەبی دیاری کرین.

وهک وتمان دەشگری خال دانین:

۱. بابەتەکه دەبی سوودگەیهنەر بیّت.
۲. پرچاوکردنی رینووسی کوردی.
۳. پرچاوکردنی خالبندی.

۴. له کوتاییی دیریکدا ئەگەر هەموو وشەکه جیی نەبووهوه و ویستت بەشیک له وشەکه هەر لهو دیرە بنووسی تەقەل دادەنیی، وهک:
..... ریبا-
..... زهکان

تیبینی: لهم شوینانه تەقەله که بی بۆشایی دەنوسری:

- کاتی ئاوهلابوون: ۱۶.۱۲.
-
- له ههفتهیه کدا ۸.۷ میل را دهکات.

دهیه م - سی خال (...):

ئەم «سی خال» ه له بری وشه، یان پرسته، که قرتینراوه، به مه بهستی کورتکردنهوه، به کار دهبری، وهک:

- من سنه، کرماشان، مه‌ه‌باد، سلیمانی، کهرکوک و ... م چاوپي کەوتووہ.
-
- له کوردستاندا نهوت، ئاسن، زير، زيو، گوگرد و ... دەست دەکەوی.
-
- بیستووتە ...؟
-
- فریام کەون! فریام کەون! ...

سەرئنج: ئەگەر له نیوهی وشەکه‌دا پێویست به "سێ خال" هه‌بوو ئەوه ده‌لکێ به وشەکه‌وه ئەگینا ده‌بێ سەربەخۆ بنووسری.

یانزەیه‌م - بۆشایی (space):

به مه‌ودای نیوان دوو وشه‌ی سەربەخۆ ده‌ئین «بۆشایی». ئەمه زیاتر له نووسین به کۆمپیوتەر و کەرەسته‌ی نووسین زۆر گرنگه. سه‌یری ئەم نموونه‌یه بکەن:

(ئالای شه‌کاوه - ئالایشه‌کاوه)

له یه‌که‌مدا بۆشایی هه‌یه، له دووهمدا بۆشایی نیه. دیاره ئەوه‌ی یه‌که‌م راسته.

یان هه‌ندی جار له شوینانه‌ی که پێویست به «بۆشایی» ناکات، بۆشایی داده‌نین، وه‌کوو:

"له گه‌ل" که ده‌بێ بنووسری "له‌گه‌ل".

نووسەر ده‌بێ بزانی له چ شوینیکدا "بۆشایی" پێویسته، یان پێویست نیه، ئەگینا وشەکان واتای هه‌له‌ ده‌ده‌نه ده‌سته‌وه و تیگه‌یشتیان قورس ده‌بیت.

سه‌یری چه‌ند نموونه‌یه‌ک بکەن:

- (باسکرا) ده‌بێ بۆشایی هه‌بێ: (باس کرا).
-
- (وامه‌که) ده‌بێ بۆشایی هه‌بێ: (وامه‌که).
-
- (جیه‌ه‌شت) ده‌بێ بۆشایی هه‌بێ: (جیه‌ه‌شت).
-
- (خۆشمده‌وی) ده‌بێ بۆشایی هه‌بێ: (خۆشم ده‌وی).

تیبینی: (و)ی په یوه ندى، وشه یه گى سه ربه خوږه و ده بې هموو کاتې له گه ل وشه کانی پېش و پاشیه وه
بوشایي هه بیټ:—

- (کریکارو وهرزیر) ده بې بوشایي هه بیټ: (کریکار و وهرزیر).
-
- (گرو تین) ده بې بوشایي هه بیټ: (گر و تین).

وشه ی لیکن دراو نابې بوشایي هه بیټ، وهک:

- (خول کیش) نابې بوشایي هه بیټ: (خولکیش).
-
- (وینه کیش) نابې بوشایي هه بیټ: (وینه کیش).
-
- (سکالا نووس) نابې بوشایي هه بیټ: (سکالانوس).
-
- (له گه ل) نابې بوشایي هه بیټ: (له گه ل).
-
- (جی ژوان) نابې بوشایي هه بیټ: (جیژوان).
-
- (باوک مردوو) نابې بوشایي هه بیټ: (باوک مردوو).

له م هونراوه یه ی ماموستا هیمندا، ده بینن که دانانی بوشایي له (که مال) دا چهنده مانا که ده گورې:

که مالت بی که مالت بو چیه له و شاره ویرانه؟
که مالتی ده ولهمه ندى دی، گوتم نه یویست که مالتی من
که دیاره ده بې ناوا بنووسری:
که مالت بی، که مالت بو چیه له و شاره ویرانه؟
که مالتی ده ولهمه ندى دی، گوتم نه یویست که مالتی من

دوازده یه م هیلې لار (/)، (ا) و پیتی (ر):

۱. بو نووسینی ریکهوت که به ژماره دهنووسری، که لک له هیلې لاری (/) وهرده گرین، وهک:
شاری که رکوک له ۲۰۰۳/۴/۱۰ رزگار کرا.

۲. بۆ نووسینی «دابه‌شکردن» له ناو ده‌قیگ که پیتی تیدا به‌کار چوو، که‌گ له هیللی لاری
(۱)

وه‌رده‌گرین، وه‌ک: خیرایی تیشک (۳۰۰ هزار کم‌اچرکه) دایه.

۳. پیتی (ر) له ناو ژماره‌دا له جیاتی (ممیز) به‌کار ده‌چی، وه‌ک:

– ۰۲۳

– ۱۲۴۸

رەچاوکردنی خالبه‌ندی ده‌بیته هوی ئه‌وه‌ی که نووسەر مه‌به‌سته‌که‌ی به‌باشی بگه‌یه‌نیته خوینەر
و، خوینەریش به‌هه‌له‌ له‌ مه‌به‌سته‌که‌ تی نه‌گات.